

به ژرارد بی ارد، سردبیر، و کارکنان شارلی ابدو

اصغر کریمی

صفحه ۵

ترور پاریس، نقطه عطفی در نبرد چپ با اسلام سیاسی

مصاحبه با حمید تقوائی در مورد زمینه ها و پیامدهای ترور پاریس

صفحه ۲

هفته ای پر از اعتراض در میان کارگران

شهلا دانشفر

صفحه ۷

"شارلی ابدو" و جدال جهانی با توحش مذهبی

کاظم نیکخواه

صفحه ۶

اروپا در خیابان، نماینده این میلیونها نفر مردم مترقی کیست؟

مینا احدی

صفحه ۱۴



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۹۱

جمعه ۲۶ دی ۱۳۹۳، ۱۶ ژانویه ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

ممید تقوائی

مذهب زدائی از جامعه امر مبرم بشریت است!

زنان بی حجاب و چهره کریه جمهوری اسلامی!

توده گیر شدن توهین به نیروها

و دولت‌های اسلامی!

صفحه ۱۱

گفتگوی یک دنیای بهتر

پیرامون فاجعه

تروریسم اسلامی در فرانسه و

پی آمدهای آن

علی جوادی

صفحه ۹

اوج دیگری از توحش اسلامی

در نیجریه

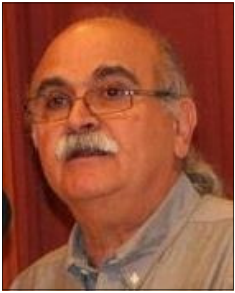
بهر روز مهرآبادی

صفحه ۱۲

آمستردام و چارلی ابدو

شهره آرام

صفحه ۱۵



ترور پاریس، نقطه عطفی در نبرد چپ با اسلام سیاسی

مصاحبه با حمید تقوائی در مورد زمینه ها و پیامدهای ترور پاریس

انترناسیونال: شما در مقاله تان در شماره قبلی انترناسیونال ترور پاریس را نقطه آغاز مبارزه تازه ای علیه اسلام سیاسی اعلام کرده اید. این اولین بار نیست نیروهای اسلامی در کشورهای غربی دست به ترور میزنند. حمله به چارلی ابدو با حملات گذشته چه تفاوتی دارد؟ چرا ترور پاریس سر آغاز یک دور تازه مبارزه علیه اسلامیون است؟

حمید تقوائی: حمله به نشریه چارلی ابدو حمله مستقیم به جبهه چپ و انسانیت و آزاداندیشی است. کاریکاتورستها و نویسندگان چارلی ابدو بخاطر نقد و هجو مذهب از يك موضع رادیکال چپ و انسانی مورد حمله قرار گرفتند و بهمین دلیل این واقعه در چهارچوب کاملاً متفاوتی از حمله به یازده سپتامبر و یا حمله به سفارتخانه ها و مراکز دولتی، که آخرین نمونه اش حمله به پارلمان کانادا در نوامبر گذشته بود، قرار میگیرد. ترور پاریس حتی از نوع حمله کور و عملیات انتحاری اسلاميون علیه مردم - نظیر حمله به سیستم حمل و نقل لندن در سال ۲۰۰۵ - و یا حمله به دوندگان دو مارتون در بوستون در تابستان گذشته - متفاوت است. قربانی آن حملات نیز مردم بیگناه بودند اما از نظر سیاسی آنها را باید جزئی از درگیری متقابل اسلام سیاسی و دولتهای غربی بشمار آورد.

حمله به برجهای دوقلو نیویورک، علیه سفارتها و مراکز دولتی و عملیاتی نظیر آن جزئی از درگیری متقابل اسلام سیاسی و دولتهای غربی بود. این درگیری - که حزب ما آنرا جنگ تروریستها مینامد - خود در شرایط سیاسی دنیا در دوره پس

از جنگ سرد ریشه دارد. بعد از اضمحلال کمپ شرق نیروهای اسلامی که خود دست پرورده سی آی ا و پنتاگون برای مقابله با شوروی در افغانستان بودند، افسار پاره کردند و بویژه بدنبال یازده سپتامبر ۲۰۰۱، هدف سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا برای تامین و تثبیت هژمونی اش بر دنیای بعد از جنگ سرد قرار گرفتند. این استراتژی هژمونی طلبانه بجائی نرسید اما نیروهای هار و وحشی ای بیار آورد و بجلو راند که امروز در هیات داعش و القاعده و بوکوحرام و غیره در خاورمیانه و در شمال افریقا و در کشورهای غربی بروی جامعه تیغ میکشند و از هیچ جناتیی فروگذار نمیکند. در این میان دولتهای غربی نیز کارنامه بهتری از نیروهای اسلامی ندارند. هجوم نظامی به عراق در سال ۱۹۹۱ و بدنبال آن حمله به افغانستان و عراق فجایی بیار آورد که باید بعنوان نمونه های برجسته بربریت و توحش سرمایه داری معاصر به ثبت برسد. ما همیشه گفته ایم که در این جنگ تروریستی دو طرف به یکدیگر دلیل و بهانه میدهند و یکدیگر را توجیه میکنند. این جنگ تروریستی نه صرفاً بخاطر توحش و بربریتش بلکه بدلیل سیاست و اهدافی که بر آن ناظر است، جنگی تماماً ارتجاعی و در مقابل منافع مردم در سراسر دنیاست. هیچ يك از این دو قطب تروریستی نه تنها جهان متمدن را نمایندگی نمیکند بلکه کاملاً در برابر جبهه توده مردم دنیا و کمپ جنبشها و نیروهای چپ و آزادیخواه و انساندوست قرار میگیرند. (برای توضیح و بررسی بیشتر این موضوع رجوع کنید به نوشته درخشان "دنیای پس

از یازده سپتامبر" اثر منصور حکمت). اما در کنار این جنگ ارتجاعی جنگ دیگری نیز از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی تا امروز میان مردم و تروریسم اسلامی در جریان بوده است. عرصه های نبرد این جنگ عبارتست از جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران، که خیزش ۱۸ تیر و جنبش توده ای تابستان ۸۸ دو نقطه اوج آن بود، جنبش علیه زن ستیزی اسلامی در ایران از ۸ مارس ۵۷ تا امروز، جنبش عظیم و چندین میلیونی ترمرد در مصر علیه اخوان المسلمین، جنبش مقاومت مردم کوبانی علیه داعش، مبارزات موفق مردم تونس علیه النهضه و سایر نیروهای اسلامی، جنبش علیه قوانین شریعه و دادگاههای اسلامی در اروپا و کانادا، و جنبش ژورنالیستها و نویسندگان و هنرمندان چپ و مترقی در نقد و هجو اسلام و تابوهای اسلامی، انتشار رمان آیه های شیطانیه چاپ سلمان رشدی، چاپ کاریکاتورهای محمد در نشریه دانمارکی یولاندزیستن، نمایش فیلم تنو وانگوگ هنرمند هلندی در نقد بیحقوقی زنان در اسلام و قرآن و غیره - و دیگر اعتراضات و مبارزات مردم دنیا علیه نیروهای اسلامی. حمله به چارلی ابدو و تظاهرات توده ای در پاسخ به آن نقطه اوجی در این جنبش و نقطه عطفی در مبارزه مردم با اسلام سیاسی است. در این جبهه جنگ مردم با نیروهای اسلام سیاسی است که جهان متمدن در برابر ارتجاع و بربریت جنبش اسلام سیاسی قد علم میکند. در این نبرد تروریسم اسلامی نه بعنوان نیروی علیه دولتها و ارتشها، و یا صرفاً علیه شهروندان غربی بلکه بعنوان يك نیروی ارتجاعی ضد زن و آزادی و

مدرنیسم و انسانیت و مدنیت و علم و فرهنگ و هنر سکولار و مترقی، بعنوان نیروی که در شرق و غرب، در خود کشورهای اسلامزده و در همه جا بروی جامعه و تمدن و مدنیت و انسانیت تیغ کشیده است بجالش دولتهای غربی و عدم تطابق با سیاست خارجی آنها معیار تروریسم نیست، قوانین شریعه و قصاص و شلاق و اعدام و سنگسار و زن ستیزی و سرکوب و اختناق قرون وسطانی ملاک است. از داعش و بوکو حرام و القاعده تا جمهوری اسلامی و عربستان سعودی و دولت ترکیه و افغانستان و سوریه، و کلا همه نیروها و دولتهای اسلامی که در تقسیمبندی دولتهای غربی به افراطی و میانه رو و خوش و خیم و بد خیم تقسیم میشوند، به جبهه اسلام سیاسی تعلق دارند. در این جنگ جهان متمدن با اسلام سیاسی، کل دولتها و نیروهای راست در کنار جنبش اسلامی قرار میگیرند. دولتهای اروپائی که جنایات دولتهای اسلامی مثل جمهوری اسلامی و عربستان سعودی علیه مردم کشورهای اسلامزده را به حساب فرهنگ و اعتقادات مردم میگذارند و حتی در کشورهای غربی به قتلهای ناموسی چشم فرومیبندند، امام جمعه ها و مفتی ها را بعنوان نمایندگان مهاجرین مسلمان برسمیت میشناسند و قوانین و دادگاههای شریعه و مدارس اسلامی را مجاز اعلام میکنند، خود يك عامل مهم و موثر در تقویت اسلام سیاسی و تروریسم به شمار میروند. راسیستها، پست مدرنیستها و طرفداران نسبیت فرهنگی که هویت مشترک ارزشهای جهانشمول

انسانی را نفی و انکار میکنند، و نیروهای "چپ ضد آمریکائی" که جنایات نیروهای اسلامی را بر "آمریکائی ستیزی" آنان می بخشد، نیز عملاً در کنار اسلامیها و در برابر مردم قرار میگیرند. جنگ مردم با اسلام سیاسی جنگی است علیه کل نیروهای این کمپ.

اهمیت آنچه در پاریس اتفاق افتاد این بود که این جبهه انسانیت و تمدن را در خط اول مبارزه با تروریسم اسلامی قرار داد. حمله یازده سپتامبر با وجود آنکه تلفات انسانی بسیار بیشتری داشت به حرکت توده ای منجر نشد چون در چارچوب مقابله اسلاميون با دولت آمریکا، تقابلی که سابقه اش به جنگ اول خلیج میرسید، قرار میگرفت. پاسخ یازده سپتامبر نیز از جانب دولت آمریکا و متحدین و دنباله روانش با لشکر کشی به افغانستان و عراق که جنایاتی هولناک تر از یازده سپتامبر بود، داده شد.

ترور پاریس رخدادی از نوع "یازده سپتامبر" در جبهه جنگ مردم با اسلام سیاسی است و میتواند موج گسترده ای از مبارزات توده مردم علیه نیروهای اسلامی را بدنبال داشته باشد. اسلاميون به يك هفته نامه چپ به جرم توهین به محمد و مقدسات کیک زده اسلامی حمله کردند و با تعرض میلیونی توده های مردم در پاریس و دیگر شهرهای اروپا پاسخ گرفتند. اینجا دیگر مردم تماشاچیان بهت زده و مرعوب شده جنگ دو قطب تروریستی در بالای سر خود نیستند، بلکه يك نیروی فعال و متعرض در مقابله با تروریسم اسلامی هستند که مستقیماً به

ترور پاریس، نقطه عطفی در نبرد چپ با اسلام سیاسی

دفاع از آزادی و آزاد اندیشی و نقد و هجو آزادانه مذهب برخاسته اند. این دیگر جنگ با "تروریسم" به روایت بوش و دیک چینی و تونی بلر نیست، بلکه جنگ با ارتجاع و توحش اسلامی به روایت جهان متمدن و قطب چپ جامعه است. این نقطه عطفی در جبهه جنگ مردم با جنبش اسلام سیاسی است و باید آنرا سرآغاز دور تازه ای در مبارزه جهان متمدن با تروریسم اسلامی بحساب آورد.

انترناسیونال: همانطور که اشاره کردید ترور پاریس اولین حمله اسلامیون به نهادها و هنرمندان و فعالین چپ و ضد مذهب در غرب نبود. فتوای قتل سلمان رشدی بخاطر رمان آیات شیطانی، ترور تشو وانگوگ در سال ۲۰۰۴ بخاطر فیلم انتقادی و افشاگرانه اش از بردگی جنسی زنان در اسلام، اعتراض اسلامیون به مجله دانمارکی یولاندز پستن بخاطر چاپ کاریکاتوری از محمد و حمله به دفتر چارلی ابدو در سال ۲۰۱۱ بخاطر تجدید چاپ این کاریکاتورها همه نمونه هائی از حمله اسلامیون به مردم و آزادی نقد مذهب است. چرا دور تازه ای که الان شاهد هستیم با این اتفاقات آغاز نشد؟

حمید تقوایی: یک علت واضح اینستکه جنایتی که در پاریس اتفاق افتاد از ترورهای قبلی وحشیانه تر و تکان دهنده بود. ۱۲ نفر از جمله چهار کاریکاتوریست معروف و سرشناس فرانسه را با نعره الله و اکبر و با شقاوت تمام به گلوله بستند و خبر و ویدئو بخشی از این عملیات جنایتکارانه به سرعت در دنیا پخش شد. عملیات تروریستی قبلی این ابعاد و این پوشش خبری را نداشت. اما این تمام قضیه نیست. تفاوت ترور پاریس با

اقدامات مشابه قبلی قبل از هر چیز در شرایط سیاسی متفاوت جهانی و موقعیت متفاوت دو قطب جنگ تروریستی، قطب دولت آمریکا و همپیمانان غربی اش از یکسو و قطب نیروهای اسلامی و کل جنبش اسلام سیاسی از سوی دیگر، ریشه دارد.

همانطور که قبلا در نوشته های متعددی توضیح داده ام به نظر من دهه دوم قرن حاضر مقارن است با به حاشیه رانده شدن بوشیسم و میلیتاریسم دولتی آمریکا و به این اعتبار آغاز دور تازه ای در روند جنگ تروریستها که از جنگ اول خلیج و با شدت و حدت بیشتر بعد از یازده سپتامبر ادامه داشت و به عامل مسلط و تعیین کننده ای در شرایط سیاسی جهان و بویژه خاورمیانه تبدیل شده بود. دو فاکتور بحران اقتصادی و فروپاشی وال استریت در زمستان ۲۰۰۸، و به گل نشستن ماشین جنگی آمریکا در عراق و افغانستان نقش مهمی در ناکامی بوشیسم و کلا نئونکسرواتیسیم میلیتاریستی دول غربی بازی کرد. انتخاب اوپاما با شعار تغییر و سیاست دست دوستی دراز کردن بسوی نیروهای اسلامی که بوش اعلام کرده بود "یا با آنها هستید یا با ما" خود یک شاخص این وضعیت تازه در آستانه دهه دوم قرن حاضر بود. این دهه نه با عربده کشی های جنگی بوش و دیک چینی و تونی بلر بلکه با انقلابات بهار عربی آغاز میشود. انقلاباتی که نشاندهنده کمر راست کردن توده های مردم از زیر فشار یک دهه جنگ و کشمکش مین قطبهای تروریستی و بازگشت قدرتمند آنان به صحنه سیاست است. انقلابات منطقه و بخصوص تحولات تونس که به حاشیه ای کردن نیروهای اسلامی منجر شد و بزیر کشیده شدن

آقائی منطقه جا باز کند و به بازی گرفته بشود.

تا آنجا که به توده مردم مربوط میشود این شرایط جدید به معنی تشدید جنایات نیروهای اسلامی علیه مردم و علیه هر نشانه ای از مدنیت و انسانیت است. اسلامیت نیروئی نظیر داعش و یا بوکوحرام پیش از آنکه در خصومت با "شیطان بزرگ" و "فاصلان قدس" و کلا مقابله با دولتهای کمپ غرب خود را نشان بدهد، در قتل عام مردم در خود کشورهای اسلامزده و به کنیزی گرفتن و تجارت زنان و دختران بعنوان غنایم جنگی و پیاده کردن قوانین فوق ارتجاعی اسلامی در مناطق تحت نفوذ این نیروها بروز و تعیین پیدا میکند. داعش تجسم بی کم و کاست تروریسم اسلامی به معنی واقعی کلمه یعنی تیغ کشیدن بروی انسانیت و مدنیت و آزادی و آزاد اندیشی به شکل عربیان و با کشف حجاب آمریکا ستیزی و مستضعف پناهی است.

ترور پاریس، به وسیله هر نیروی اسلامی که سازمان داده شده باشد، ملهم از این شرایط جدید است. ترور پاریس در کنار گلوله بستن مردم عادی در پیاده رویهای موصل و سر بریدن ایزدی ها و غیر سلفیها بوسیله داعش، سوء قصد به ملاله یوسف زای بوسیله طالبان، و دختر ربائی و قتل عام بوسیله بوکوحرام در نیجریه قرار میگیرد و اقدامی از همان جنس است. این چهره واقعی تروریسم اسلامی به معنائی است که سه دهه مردم ایران تجربه کرده اند. پاسخ این شرایط هم طبعاً نه اقدامات پلیسی و میلیتاریستی دولتها میتواند باشد و نه مماشات و تخفیف دادن به اسلامیون در خود جوامع غربی. (هر چند دولتهای غربی کوشش خواهند کرد از جنایت پاریس هم محمل و بهانه ای برای تشدید این نوع سیاستها بسازند). پاسخ همانست که نمونه ای از آن را در موج تظاهرات میلیونی پاریس در روز یکشنبه گذشته شاهد بودیم.

انترناسیونال: شما به آغاز

دور تازه ای در مبارزه مردم با نیروهای اسلامی اشاره کردید.

آیا این دور جدید به معنی اینست که تظاهرات و حرکتیهای توده ای نظیر تظاهرات پاریس ادامه خواهد یافت؟

حمید تقوایی: نه لزوماً. اعلام خشم و انزجار توده های مردم در پاریس و دیگر شهرهای اروپائی یک عکس العمل فوری به جنایتی است که تازه رخ داده است و نمیتوان انتظار داشت که این حرکت همچنان ادامه پیدا کند. به نظر من خصوصیت این دور تازه مبارزه قبل از هر چیز در تغییر مضمون و موضوعات و عرصه های مقابله با اسلامیسیم و جنبش اسلام سیاسی است. در دوره اوج جنگ دولتها و اسلامیون مسائلی نظیر "امنیت ملی" کشورهای غربی، حمله به سفارتخانه ها و مراکز دولتی و شهروندان غربی در خاورمیانه و مناطق مختلف جهان، فاندانمنتالیسم و افراطی گری، جدا کردن حساب "اسلام واقعی" و نیروها و دولتهای میانه روی اسلامی از تروریستها، و موضوعاتی نظیر آن در مرکز و محور توجه ها بود. هنوز هم دولتها همین خط و سیاست را دنبال میکنند. مثلاً محور مخالفت و کشمکش غرب با جمهوری اسلامی بر سر مساله سلاحهای هسته ای است و نه جنایاتی که هر روزه این رژیم علیه مردم در ایران مرتکب میشود. همین امروز بدنبال حمله پاریس دولتها دور تازه ای از مماشات با اسلامیون و امتیازدهی به اسلام واقعی و میانه رو را آغاز کرده اند. تظاهرات توده ای در فرانسه و دیگر شهرها بر سر این مسائل نبود. برعکس کاملاً در نقطه مقابل این سیاست قرار داشت. محور و مضمون این تظاهرات دفاع بی قید و شرط از آزادی بیان و بخصوص نقد و هجو مذهب بود و نه صرفاً اعتراض به "فاندانمنتالیستها" و "تروریستهای افراطی" که معلوم نیست به چه جنبش و عقاید و

ترور پاریس، نقطه عطفی در نبرد چپ با اسلام سیاسی

مکتب فکری ای متعلقند. هم اکنون که این سطور را می نویسم شماره جدید چارلی ابدو در تیراژ سه میلیون با کاریکاتوری از محمد در صفحه اولش منتشر شده و در عرض چند ساعت تماما به فروش رفته است. ناشرین آن اعلام کرده اند با توجه به استقبال عمومی تیراژ آنرا به هفت میلیون افزایش خواهند داد. با این حال بسیاری از تلویزیونها و نشریات رسمی و دولتی و نیمه دولتی از نشان دادن کاریکاتورهای آن خودداری کرده اند.

بیشتر در زندگی خصوصی افراد، پلیسی و امنیتی کردن فضای جامعه بسازند. و در مقابل توده مردم گرایش و روی آوری بیشتر و فعال تری نه تنها به مقابله با اسلام و مذهب و نقد بی قید و شرط مقدسات و تابوها ی مذهبی بلکه همچنین مخالفت با سیاستهای راست و پرو اسلامیستی دولتهایشان از خود نشان خواهند داد. در محور و مرکز این مبارزه موضوعات و مسائلی قرار میگیرد که دولتها و ماشینهای دولتی مهنسی افکار تا کنون سعی داشته اند آنها را حاشیه ای و خنثی کنند. مسائلی نظیر آزادی بی قید و شرط به نقد و طنز کشیدن مقدسات و تابوهای مذهبی، لغو قید و شرطهایی که در قوانین کشورهای غربی علیه "کفرگویی" و نقد هجو مذهب وجود دارد، توجه به جنایت دولتها و نیروهای اسلامی در خود کشورهای اسلامزده و همدلی و همراهی و حمایت از مبارزات مردم این کشورها علیه اسلاميون، تاکید بر جهانشمول بودن ارزشها و خواستهای انسانی و یکسان بودن مفاهیمی نظیر آزادی و برابری و خوشبختی و تمدن و مدنیت در مقابل پست مدرنیسم و نسبیت فرهنگی و غیره و غیره. اینها عمده ترین عرصه های نبرد مردم با اسلامیسیم و با دولتها و سایر نیروهای راست پرو اسلامی است.

انترناسیونال: نظرتان در

مورد تاثیر ترور پاریس بر سیاست دولتهای غربی و عملکرد نیروهای اسلامی چیست؟ آیا باید منتظر داغ شدن تنور جنگ میان این قطبهای تروریستی باشیم؟

حمید تقوایی: همانطور که

بالا تر اشاره کردم دولتهای غربی تلاش خواهند کرد به بهانه حفظ

ارتجاعی یکدیگر را توجیه میکنند. اما به نظر من ترور پاریس سرآغاز لشکرکشی و جنگ تازه ای نخواهد شد. همانطور که اشاره کردم دوره سیاستهای میلیتاریستی دولتهای غربی به سر رسیده است و با چنین ترورهائی احیا نخواهد شد. در همان دوره یکه تازی های بوش نیز یازده سپتامبر تنها بهانه و محملی برای لشکر کشی های دولت آمریکا بود و نه علت آن. کلا برخلاف جبهه نبرد مردم و نیروهای چپ با اسلامیسیم، هیچ فاکتور جدیدی در اینجا وجود ندارد. این تحولات کمابیش در ادامه همان خط و سیاست همیشگی دولتهای غربی و نیروهای اسلامی قرار میگیرد و تغییر چندانی در این سیاستها و تناسب نیرو بین این دو قطب وجود نخواهد آمد. موقعیت دولت آمریکا و هم پیمانانش و جنبش اسلام سیاسی و تناسب قوا میان آنان همانطور که بالاتر توضیح دادم ناشی از تغییرات و شرایط سیاسی پایه ای تری است که با اقدامات تروریستی در غرب و یا هر گوشه دیگری از جهان تغییر چندانی نخواهد کرد.

انترناسیونال: در این

شرایط احزاب و نیروها چپ و انقلابی نظیر حزب کمونیست کارگری چه نقشی میتوانند و باید ایفا کنند؟

حمید تقوایی: اجازه بدهید

از حزب خودمان شروع کنم. طبعا حزب ما برای مقابله با اسلام سیاسی از يك موضع انسانی و رادیکال منتظر ورشکستگی میلیتاریسم غربی و تشدید جنایات نیروهای اسلامی علیه مردم ننشسته بود. ما از همان مقطع جنگ خلیج تا به امروز سیاست فعالی را علیه هر دو قطب جنگ تروریستها در دستور گذاشته و به پیش برده ایم و سیاست امروز ما هم چیزی جز این نیست. تنها فضا و شرایط سیاسی و اجتماعی برای گسترش این مبارزات بیش از پیش فراهم شده است. ما همین خط و سیاست را منتهی منطبق و با

اتکا بر شرایط جدید و امکانات و فرصتهائی که این شرایط برای توده گیر شدن مقابله کمونیستی هم با ارتجاع اسلامی و هم علیه سیاستهای ارتجاعی دولتها و نیروهای راست در خود جوامع غربی فراهم آورده است فعالانه دنبال خواهیم کرد. به نظر من نیروهای کمونیست و چپ انقلابی در سراسر جهان نیز باید همین خط و سیاست را دنبال کنند. تنها ویژگی فعالیت و مبارزات ما بعنوان يك نیروی کمونیست که عرصه مستقیم فعالیتش جامعه ایران و بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی است، برجسته کردن و در انتظار جهانی قرار دادن جنایات حکومت اسلامی در جامعه ایران و در دیگر جوامع اسلامزده است.

ما از بهترین موقعیت برای نمایندگی کردن توده مردم منتسب به اسلام که تحت نام آنان این جنایات صورت میگیرد برخوردار هستیم. ما نه تنها مبارزات مردم ایران و دیگر کشورهای اسلامزده علیه دولتها و نیروهای اسلامی و قوانین و مقدسات اسلامی را نمایندگی میکنیم بلکه صدا و نماینده واقعی مردمی هستیم که از ایران و دیگر کشورهای اسلامزده به کشورهای غربی مهاجرت کرده اند و دولتها به بهانه احترام به عقاید آنها بساط مساجد و مدارس اسلامی و قوانین و داگاههای شریعه را در جوامع غربی براه انداخته اند. ما تاکنون کمپینهای متعددی را به نمایندگی از جبهه سوم، جبهه توده مردم در ایران و پناهندگان به کشورهای غربی، علیه دو قطب تروریستی اسلام سیاسی و سیاستهای ارتجاعی دول غربی به پیش برده ایم و باید با وسعت و پیگیری بیشتری این سیاستها را دنبال کنیم. افشاگری مستمر از جنایت جمهوری اسلامی و دیگر دولتها و نیروهای اسلامی علیه مردم کشورهای اسلامزده، سازماندهی و دخالتگری فعال در مبارزه علیه اعدا و آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی در ایران



به ژرارد بی ارد، سردبیر، و کارکنان شارلی ابدو

اصغر کریمی

قوانین شریعه، ترک مذهب و کفر و مجازات اعدام و سنگسار کمپین میکنند. در ایران، ما متعهد به سرنگونی جمهوری اسلامی، یعنی یکی از پایه های اسلام سیاسی و اسلامیسیم، و ایجاد جامعه ای آزاد، باز و برابر هستیم. در همبستگی با شما و در گرامیداشت یاد عزیز همکاران از دست رفته تان برای جهانی رها از مذهب، جهالت، تبعیض و خرافه برای جهانی بهتر اصغر کریمی از طرف هیات اجرائی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۱ ژانویه ۲۰۱۵

وحشیانه دست زدند متعلق به جنبشی هستند که دهها سال است مشغول جنایاتی عظیم علیه مردم و منتقدین به اسلام در کشورهایی مانند ایران، عراق، افغانستان و نیجریه و دیگر مناطق اسلام زده است. مقابله با این جنبش کار نیروهای چپ، سکولار، آتئیست، آزاداندیش و مترقی است که دفاع از آزادیهای بی قید و شرط برایشان هدفی مقدم است. شارلی ابدو به این کمپ تعلق دارد. حزب ما متعهد به مبارزه ای سرسخت علیه اسلامیسیم هم در ایران و هم در سطح جهانی است. ما متعهد به دفاع از آزادی بی قید و شرط بیان و نقد مذهب هستیم. رفقای ما سالهاست در سطح جهانی برای سکولاریسم و حقوق جهانشمول و علیه

این نامه را برای اعلام عمیق ترین همدردی مان نسبت به حمله جویانه علیه دفتر شارلی ابدو و کشتار بیرحمانه همکارانتان می نویسیم. ما این عمل وحشیانه را شدیداً محکوم می کنیم. این فقط حمله ای نفرت انگیز به مجله شما که شجاعانه در برابر جهالت، تبعیض و خرافه ایستاده است نبود، بلکه همچنین حمله ای بود به آزادی بیان و حق بی قید و شرط انتقاد از مذهب و تمسخر مذهب. این حمله ای بود علیه مدنیت و انسانیت. آنها امید داشتند شما و آزادی بیان را ساکت کنند. برعکس، در پی این حمله، یک موج عظیم انسانی در فرانسه، اروپا و سراسر جهان در همبستگی با شما و آرمانتان شکل گرفت. تروریست های اسلامی که به این عمل

از صفحه ۴

ترور پاریس، نقطه عطفی در نبرد چپ با اسلام سیاسی

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

امیدوار بود و تلاش کرد که در این کشورها هم حرکت مشابهی شکل بگیرد. این نمونه ای از به حرکت در آمدن مردم در دفاع از آزادی نقد مذهب است. نیروهای کمونیست باید به نیروی اصلی چنین اعتراضاتی تبدیل بشوند و در راس این حرکتها قرار بگیرند. کلا همه چیزحاکمی از آنست که در این دوره خیابان و حرکتهای توده ای نقش و جایگاه تعیین کننده ای در مبارزه علیه اسلامیسیمها و دولتها و نیروهای راست پیدا میکند. وظیفه حزب ما و همه نیروهای انقلابی کمونیست اینست که با بکار گیری تمام امکانات و توان خود در به استقبال این شرایط برویم. *

۱۴ ژانویه ۲۰۱۵

بسیاری از نیروها و اکتیویستهای چپ و رادیکال و آزادیخواه، و توده مردمی که از تروریسم اسلامی به تنگ آمده اند، در سراسر دنیا تبدیل خواهد شد. بخصوص در این دوره آزادی نقد و هجو مقدسات و تابوهای مذهبی و آزادی کفر گوئی و حمایت توده ای از ژورنالیستها و نویسندگان و هنرمندان سکولار و آتئیست به یک موضوع محوری تبدیل خواهد شد. هم اکنون در ایرلند بحث آزادی کفر گوئی که در قوانین این کشور ممنوع شده است بالا گرفته است و در یک نظر پرسی همگانی نزدیک به ۶۵ درصد مردم ایرلند خواهان لغو فوری این قانون شده اند (آلمان و دانمارک هم دارای چنین قوانینی هستند و باید

و جلب حمایت جهانی از این مبارزات، کمپین علیه دادگهای شریعه و قتلهای ناموسی و گسترش مساجد و مدارس اسلامی در شهرهای اروپا، سازماندهی کمپینهای جهانی علیه اعدام و سنگسار، افشاگری و آگاهگری مستمر از سیاستهای میلیتاریستی و هژمونی طلبانه دولتهای غربی در شکل دادن و تقویت نیروهای اسلامی در خاورمیانه و در تمامی جهان، و مقابله مستمر با اسلامپناهی دولتهای غربی و نیروهای راست در خود جوامع غربی، بخشی از کارنامه حزب ما در مبارزه با جنبش اسلام سیاسی است. به نظر من در دوره تازه ای که آغاز میشود این نوع کمپینها و نبردها به محورهای مبارزه

شارلی ابدو" و جدال جهانی با توحش مذهبی

کاظم نیکخواه



کنیزی محکوم شده اند. و چشم امیدشان به مردم جهان است که کاری بکنند و نجاتشان دهند. میلیونها انسان زیر سیطره نیروهای اسلامی در ایران و عراق و سوریه و کشورهای آفریقایی هستند. با کشتار نویسندگان شارلی ابدو باید هرکسی فهمیده باشد که این جنگ، مربوط به همه مردم است. و با دزدیدن سر و خود را کنار کشیدن کسی در امان نمیماند. باید با عزم و اراده در این جنگ جنگید و مطمئن بود که بازنده این جنگ نیروهای ارتجاعی هستند نه انسانیت مدرن و امروزی.

یک نکته را هم باید اضافه کرد و آن اینست که چه بخواهیم چه نخواهیم جنگ با القاعده و داعش و بوکوحرام و جمهوری اسلامی و جانورانی شبیه آنها، تنها جنگی با نیروهای اسلامی و مذهبی نیست. بلکه جنگی است که مستقیم و غیر مستقیم به مصالح طبقاتی گره خورده است و در نتیجه این جنگی طبقاتی است. ارتجاع وحشی اسلامی خارج از مدار جامعه طبقاتی خلق نشده است. اینها محصول نادانی و جهل مردم نیستند بلکه در پشت سر آنها دولتها و ارتشها و سازمانهای اطلاعاتی و کلا طبقه حاکم سرمایه دار قرار داشته و دارد. آن دولتها و نیروهای سرمایه داری که برای حفظ سیستم بردگی مزدی این جانوران وحشی را سازمان دادند و به جان مردم انداختند آشکارا امروز در موقعیت خوبی قرار ندارند و هرروز بیشتر افشا میشوند و در موقعیت ضعیف تری قرار میگیرند. میتوان از هم اکنون مشاهده کرد و لمس کرد که جدال با جریانان آدمکش و متحجر اسلامی و مذهبی، جدال دیگری را نیز دارد با خود حمل میکند و آن جنگ طبقاتی با کل سیستم سرمایه داری است که خالق کل اوضاع کنونی است. این دو جدال را بهیچ وجه نمیتوان از هم تفکیک کرد. بشریت هرروز در ابعاد وسیعتری پی میبرد که برای خلاص شدن از توحش مذهبی باید به توحش سرمایه داری پایان دهد. *

اسلامی هستند. اما آنچه میخواهم تاکید کنم اینست که اینها بازنده تظاهرات تاریخی پاریس بودند. در تظاهرات تاریخی پاریس سکولاریسم و آتئیسم و چپ جلوتر آمد. جنگ علیه مذهب برجسته تر شد. و امثال این دولتها که در تلاش هستند ارتجاع مذهبی را در کنار خود داشته باشند، با معضل و مشکل جدی ای مواجه شدند. هیچ تردیدی نباید داشت که تمام سران دولتهایی که از تروریزم میخواهند برای گسترش سانسور و گذاشتن کنترل بیشتر بر آزادی اندیشه و بیان مردم استفاده کنند، این هفته بازنده بودند. مجبور شدند در برابر یک نشریه ساده سکولار و چپگرا سرتعظیم فرود آورند. ناچار شدند اعتراف کنند که چپ در پیشاپیش جنگ کنونی قرار دارد. این دولتها خود حامی و خالق همین تروریزم کثیف و وحشی علیه چپ هستند. تلاششان تماما این است که این کشاکش هرچه محدود تر شود و به حاشیه رانده شود و یک سازش و مباحثات بین انسانیت و ارتجاع صورت گیرد. و امروز نه فقط این عملا غیر ممکن شده است، بلکه خود این دولتها و نظامشان نیز قادر به کنار کشیدن خود از زیر ضرب خشم مردم جهان نیستند.

نمیتوان جنگید

جنگی که جریان اسلامی آغاز کرده دیگر قابل اجتناب نیست. هرکس که فکر میکند میتوان این جنگ را دور زد فقط خود را فریب میدهد. این جنگ مدتهاست آغاز شده و طی چند سال اخیر هرروز اوج بیشتری گرفته است. مردم جهان طی همین چند سال قربانیان زیادی داده اند. هم اکنون دهها هزار زن و دختر و کودک در سوریه و عراق و نیجریه به بردگی و

آری شارلی ابدو اکنون به یک سنگر برجسته در خط مقدم جنگ میان انسانیت و ارتجاع مذهبی تبدیل شده است. هرکس میتواند بسادگی متوجه شود که بازنده تهاجم خونین به مجله شارلی ابدو ارتجاع اسلامی بود. این تهاجم جهانی را متوجه شارلی ابدو کرد. جهان را متوجه جنگی کرد که در جریان است. جهان را متوجه مضمون این جنگ یعنی جنگ توحش با انسانیت و آزادی نمود. ارتجاع دینی و اسلامی یک بار دیگر به همه جهانیان نشان داد و اعتراف کرد که یک مجله ساده فکاهی میتواند حیاتش را به مخاطره بیندازد. برآستی جریانی که از طنز به وحشت مرگ می افتد و از بحث و اقناع نا امید شده است و دور افکار عمومی را خط کشیده است، آیا به این اعتراف نمیکند که به ته خط رسیده است و مرگش فرارسیده؟ در این هیچ تردیدی نباید داشت.

دولتها و شارلی ابدو

روز شنبه این هفته در میان تظاهر کنندگان میلیونی یک صف ویژه نیز جلب نظر میکرد. صف سران و نمایندگان دولتها. صف فرانسوا اولاند و تینتیاو و چند مقام مرتجع دیگر. اینها تلاش داشتند خود را در کنار مردم و با مردم نشان دهند. اما اولین کاری که اینها تلاش کردند حتی در روز تظاهرات حمایت از شارلی ابدو انجام دهند این بود که شارلی را به حاشیه برانند و مساله یهود و مسلمان را برجسته سازند. مردم بر سینه های خود نوشته بودند "من شارلی هستم" و فرانسوا اولاند و والاس نخست وزیر فرانسه در میان خاخامهای یهودی و چهره های مسلمان میلولیدند. اینجا نمیخواهم به این بیرازم که این دولتها چگونه خود خالق تروریزم

هفته نامه شارلی ابدو پس از حمله خونین به دفتر آن، با طنزی گزنده درباره همکاران کشته شده و تروریستها همراه است. برخی کشورهای مسلمان از چاپ کاریکاتور تازه ای از پیامبر اسلام در این شماره انتقاد کرده اند. هجوم به دکها و فروشگاههایی که شماره تازه "شارلی ابدو" در آن ها به فروش می رسد، از نخستین ساعات بامداد روز چهارشنبه (۱۴ ژانویه، ۲۴ دی) آغاز شد. بیشتر باجهای فروش، از پیش برای خرید مجله، از مشتریان سفارش گرفته بودند. محبوبیت مجله "شارلی ابدو" هیچ گاه تا به این اندازه نبوده است. در برابر بسیاری از فروشگاهها، فروشندگان که نسخه های مجله شان تمام شده بود، از مشتریان میخواستند که فردا سر بزنند و یک نسخه از مجله را بخرند. قرار است که در روزهای آینده نسخه های بیشتری از این شماره راهی بازار شود. گفته می شود که در مجموع شماره جدید "شارلی ابدو" در ۳ میلیون نسخه به چاپ می رسد. شماره ای که به ۱۶ زبان و در ۲۵ کشور دنیا به فروش می رسد؛ عربی هم یکی از این زبانهاست. همانگونه که اشاره شد بعد از فروش سریع تیراژ سه میلیون، دو میلیون دیگر اضافه شد و به تیراژ ۵ میلیون رسید. اخبار و گزارشهای گوناگون نشان میدهد که در سراسر جهان امروز میلیونها نفر بدنبال دست یابی به نشریه شارلی ابدو هستند و کاریکاتورهای این نشریه در رسانه های بسیاری بازتکثیر شده است. در ترکیه علیرغم حمله پلیس به روزنامه جمهوری این روزنامه و دو نشریه دیگر کاریکاتورهای شارلی ابدو را با ترجمه ترکی حواشی آنها منتشر کردند.

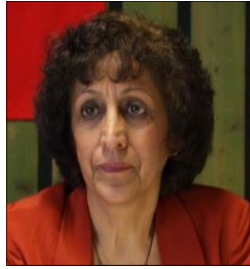
ارتجاع اسلامی هفته گذشته یک نشریه غیرمذهبی و چپ را نشانه گرفت و دست اندرکارانش را وحشیانه به گلوله بست و کشتار کرد. و با این حمله، جنگ انسانیت با تحجر را به فاز دیگری کشاند. تردیدی نباید داشت که جدال با ارتجاع از گور برخاسته اسلامی که میخواهد دهان ها را ببندد و قلمها را بشکند، از هفته پیش با کشتار نویسندگان و کارتونیستهای شارلی ابدو نقطه عطفی را پشت سر گذاشت و وارد مرحله ای حادثر و بازگشت ناپذیر شد. از دست رفتن کاریکاتوریستها و نویسندگان نشریه شارلی ابدو ضربه تکان دهنده ای بود، اما پاسخی که اسلامی ها گرفتند نیز دندان شکن بود. اکنون جبهه ای بسیار وسیع و جهانی علیه اسلام سیاسی شکل گرفته است و جدال میان انسانیت و توحش، آزادی و تعصب، و آگاهی و تحجر، سرعت و شدت بیشتری گرفته است و خواهد گرفت.

در یک روز بیش از ۳ میلیون نفر در پاریس به خیابان آمدند که تاریخا بی سابقه بود و با شعار "من شارلی هستم" اعلام کردند که جنگی که شما فسیلهای تاریخ به پیش میبرید، جنگی با انسانیت است و در چنین جنگی بازنده شمائید. بازنده مذهب و ارتجاع و عقب ماندگی است. نه فقط در پاریس بلکه در شهرهای دیگر فرانسه و حتی در کشورهای متعددی صدها هزار نفر علیه اسلامی ها به خیابان آمدند و از نویسندگان و کارتونیستهای شارلی ابدو تجلیل کردند.

تیراژ نشریه هفتگی شارلی ابدو این هفته ابتدا ۳ میلیون بود و بعد از اتمام به ۵ میلیون نسخه رسید. در یک گزارش از دیچه وله چنین میخوانیم. "نخستین شماره

هفته ای پر از اعتراض در میان کارگران

شهلا دانشفر



اشاره کردم خود يك اتفاق سياسي مهم در جامعه است. مبارزه ای که کارگران در راس آن قرار دارند و بطور واقعی خواست کل جامعه را نمایندگی میکنند.

در چنین شرایطی گفتمان کارگران و کل مردم اینست که خط فقر را قبول نمیکنیم. اما این گفتمان را باید تعیین داد. در سال گذشته کارگران پتروشیمی ماهشهر با خواست حداقل دستمزد دو میلیون تومان جلو آمدند و نقش مهمی در تقویت جنبش برای خواست افزایش دستمزدها داشتند. امسال با به میدان آمدن کارگران ایران خودرو، گفتمان ما اینست که اگر خط فقر رقمی بالای سه میلیون تومان است، حداقل دستمزدها نباید کمتر سه میلیون تومان باشد.

اعتراضات بر سر دستمزدهای موقه يك كانون دائمی مبارزه

اعتراضات کارگری بر سر دستمزدهای موقه يك كانون دائمی مبارزه در شهرهای مختلف است که مستقیماً روی فضای سیاسی شهرها و توازن قوای جامعه تاثیر میگذارد. از جمله اعتراض مهم دیگر کارگری در هفته ای که گذشت، اعتراضات کارگران لوله صفا در کارخانه لوله صفا یکی از كانون ها داغ اعتراضات کارگری است و مبارزات این کارگران در کنار کارگران پروفیل ساوه تاثیر مهمی بر فضای اعتراضی این شهر داشته است. از ۲۰ دی تا کنون دور دیگری از مبارزات کارگران نورد لوله صفا بر سر طلبهایشان شروع شد. نقطه قوت مهم کارگران لوله صفا اتکای آنها بر تصمیم گیری های جمعی در مجامع عمومی شان است. از همین رو در هر دور از مبارزاتشان توانسته اند قدمی کارفرما را عقب برانند و بخشی از دستمزدهای موقه خود را نقد کنند. در این کارخانه يك كشاکش هر روزه در جریان است. کارفرما قلدری میکند و کارگران ایستاده اند. از جمله بنا بر آخرین

۶۰۰۰ معلم خطاب به لاریجانی رئیس مجلس داده شد و در آن معلمان خواهان حقوق عادلانه، تامین عدالت، رفع تبعیض و تامین حقوقی که نیازهای يك زندگی شرافتمندانه را برآورده کند شده اند. معلمان سالهاست که به سطح نازل حقوقهایشان معترضند و این طومار جرقه ای از این اعتراض است.

اعتراض کارگران ایران خودرو در کنار سایر مبارزاتی که به آن اشاره کردم و طومار ۴۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدها که سه سالی است در جریان است، راه را برای کارگران کارخانجات دیگر برای برپایی اعتصابات کارگری حول خواست افزایش دستمزدها و متحد شدن سراسری حول این خواست باز کرد و این اتفاق مهم است.

این اعتراضات بیش از هر چیز نشان از صف آرایی بزرگ کارگران برای به میدان آمدن با خواست افزایش دستمزدها حکایت میکند.

در شرایطی که طبق گزارشات خود حکومت خط فقر بالای سه میلیون تومان است و حقوق کارگران و بخش های حقوق بگیر جامعه حول و حوش يك میلیون و نیم و يك میلیون و حتی بسیار کمتر از آن است، در شرایطی که قیمت ها هر روز افزایش بیشتری پیدا کرده و فضای جامعه در برابر فقر و فلاکت بیسابقه ای که به مردم تحمیل شده، به مرز انفجار رسیده است، خواست افزایش دستمزدها خواست کل کارگران و بخش عظیمی از مردم است. از اینرو خواستی اجتماعی است که همه کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارگران بیکار و همه مزد بگیران را در بر میگیرد. دامن گرفتن مبارزه بر سر این خواست در ابعادی که

استاندارد کار در کارخانه و این چیزی است که کارفرما و دولت تلاش میکنند به آن تن ندهند و رو در روی کارگر می ایستند. چون افزایش مزد پایه در کارخانه ای چون ایران خودرو با هزاران کارگر بدون شك تاثیر خود را بر محیط های کارگری دیگر میگذارد و خود قدمی عملی در جهت تحمیل افزایش سطح حداقل دستمزدها به قدرت مبارزات کارگری است.

مبارزات کارگران ایران خودرو تا همین جا دستاوردهای مهمی از مبارزه برای این کارگران و کل جنبش کارگری داشته است. نکته مهم اینکه اعتراضی چنین گسترده در مرکز بزرگی چون ایران خودرو آنهم بر سر خواست افزایش دستمزدها، يك قدرتمندی بزرگ کارگری و اتفاق سیاسی مهم است که در این هفته شاهدش بودیم.

در کنار هزاران کارگر ایران خودرو در این هفته ۷ هزار کارگر پارس خودرو نیز با خواست افزایش دستمزد ها صدای اعتراضشان را بلند کردند. آنها نیز با نگرستن غذا اعتراض اخطاری خود را ابراز داشتند. این اعتراض سه روز طول کشید و کارفرما وعده هایی مبنی بر بهبود دستمزد کارگران داد. اما کارگران اعلام کرده اند که اگر جواب نگیرند اعتراضشان را در اشکال گسترده تری ادامه خواهند داد. گفتگوی مدیریت پارس خودرو در مقابل کارگران معترض این کارخانه خواندنی است. او در سخنانش بیان میکند که پیام کارگران را گرفته است. و در جهت بهبود آن حتما اقدام خواهد شد و همانجا در اوج ضعف و هراسش میگوید که قرار نیست با هیچ کارگر معترضی "برخورد" شود.

در ۲۳ دی ماه همین هفته نیز طوماری ۱۵ متری از سوی

در برابر اعتراض متحد و گسترده کارگران ایران خودرو کارفرما به هر حيله و تدبیری متوسل شد. نیروی حراست کارخانه کارگران معترض را مورد تهدید قرار داد. اما کارگران تهدیدات آنان را با مبارزه متحدشان عقب زدند و هر کجا که مقامات مسئول زبان به تحقیر و توهین گشودند با هو کردن کارگران روبرو شدند. از جمله وقتی رئیس قسمت مونتاژ يك با حضور در میان کارگران به آنان گفته بود "بروید غذایان را بخورید ما زورمان زیاد است"، کارگران پاسخ دادند: "زور ما زیادتر است و باید به خواستهای ما رسیدگی شود" و در مقابلش ایستادند.

در مقابل قدرت اتحاد کارگران مسئولین مختلف شرکت ایران خودرو از جمله مهدی جو، اسماعیل پور، دهقان، ضیایی و انتظاری مقدم در بخش ها و سالن های مختلف کارخانه به میان کارگران رفتند و با وعده و وعید هایی چون افزایش پاداش ها، افزایش میزان بن نقدی، ۳۰ درصد افزایش بر میزان اکورد، پرداخت پاداش مانده دنا، اجرای درست طرح طبقه بندی مشاغل و ... سعی کردند تا بخش هایی از این اعتراض متحدانه را خاموش کنند، تا کل حرکت کارگران را عقب بزنند. اما در برابر همه این وعده و وعیدها کارگران ایستاده اند و بر خواست خود، خواست افزایش مستقیم مزد پایه تاکید میکنند. کارگران میدانند تمامی این مزایای شغلی در واقع بخشی از مزد آنان است که به صورت تکه تکه پرداخت میشود. این پولها را تحت عنوان مزایا پرداخت میکنند تا هر وقت خواستند آنرا قطع کنند. اما افزایش مزد پایه یعنی بالا بردن

هفته ای که گذشت هفته پر جنب و جوش اعتراض در مراکز مختلف کارگری و از جمله در کارخانه ایران خودرو با هزاران کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدها بود.

در این اعتراضات کارگران خواهان افزایش دستمزدهایشان میشوند، در اعتراض به تعویق افتادن دستمزدهایشان دست از کار کشیده و اعتراضشان را به خیابان میکشند. به نا امنی محیط کار خود اعتراض میکنند، علیه طرحهای تعرضی دولت تحت عناوین مختلفی چون "اصلاح قانون کار"، "لایحه خروج از رکود" و غیره به اعتراض بر میخیزند و غیره. گستردگی این اعتراضات آشکارا بر فضای شهر ها تاثیر گذاشته است و آنرا در عکس العمل مقامات حکومتی و کارفرمایان به روشنی میتوان دید. به مبارزات کارگری در هفته ای که گذشت نگاهی می اندازیم.

هزاران کارگر ایران خودرو با خواست افزایش دستمزدها

يك اتفاق سياسي مهم در هفته ای که گذشت اعتراضات هزاران کارگران ایران خودرو با خواست افزایش دستمزدهاست که تمام توجه ها را بسوی خود کشید. امسال هزاران کارگر ایران خودرو شیپور اعتراض بر سر خواست افزایش دستمزدها را به صدا درآوردند.

اعتراضات کارگران ایران خودرو از ۱۶ دیماه آغاز شد و هنوز ادامه دارد. کارگران ایران خودرو بصورت نگرستن غذای کارخانه اعتراض خود را بر سطح نازل مزدهایشان اعلام کردند. و این اعتراض بصورت زنجیره ای بخش های مختلف این کارخانه را فرا گرفت.

هفته ای پر از اعتراض در میان کارگران

خبر بدنبال اعتراضات متحدانه کارگران کارفرمای نورد لوله صفا یکماه از چهار ماه دستمزد معوقه کارگران را واریز کرد. اما به تعهد دیگر خود یعنی پرداخت بدهی هایش بابت بیمه کارگران به حساب سازمان تامین اجتماعی عملی نکرد. از این رو این کارگران که در میان کشاکش کارفرما و تامین اجتماعی دفتر چه هایشان تمدید نشده است، روز ۲۴ دی ماه دوباره دست از کار کشیدند. آنها در برابر گفته های ضد و نقیض مقامات مسئول اعلام کردند فقط در صورتی شروع بکار خواهند کرد که تسویه حساب بیمه خود را بر روی سایت سازمان تامین اجتماعی مشاهده کنند. بدین ترتیب کارگران وعده شفاهی را قبول ندادند. کارگران اجازه نمیدهند که در دل دعوای کارفرما و تامین اجتماعی آنها را پاسکاری کنند. کارگران حقشان را میخواهند. دور قبلی مبارزات کارگران نورد لوله صفا کارفرما متعهد شد که دستمزدهای معوقه را بصورت زمانبندی شده، پرداخت کند. و کارگران اعلام کرده اند که اگر این تعهدات انجام نشود، دست از کار خواهند کشید.

نگاهی به فضای مبارزاتی کارگران نورد لوله صفا، بیانگر فضای تعرضی اعتراضات در محیط های کارگری است.

یکی دیگر از همین دست مبارزات کارگری که سر و صدای بسیاری برپا کرده است، مبارزه کارگران واگن پارس در اراک است. این مبارزات ده روز طول کشید و تا ۱۵ دیماه ادامه داشت. اما موضوع فیصله نیافته است و کارگران با دادن فرصتی ده روزه اعلام کرده اند که اگر جواب نگیرند دست به اعتراض خواهند زد. اعتراض این کارگران به ۴ ماه حقوق معوقه و اخراج یکی از کارگران به اسم درخشنده بخت که از اعضای شورای اسلامی نیز

هست، می باشد. یک تلاش شوراها اسلامی اینست که مبارزه کارگران علیه اخراج را، اعتباری به وجود شورای اسلامی و تقویت آن در این کارخانه تبدیل کنند. از همین رو در انعکاس خبر کمتر بحثی از ۴ ماه حقوق معوقه کارگران میکنند و فوکوس را بر روی مساله اخراج این کارگر تحت عنوان "نماینده کارگری" گذاشته اند. در حالیکه کارگران هر جا که اخراجی صورت میگیرد، صرف نظر از اینکه کارگر اخراج شده عضو شورای اسلامی است و یا نیست، باید به این تعرض کارفرما اعتراض کنند و اجازه چنین کاری را ندهند. چرا که هر گونه تعرضی از جمله اخراج هر کارگر مقدمه تعرض به همه کارگران است. نکته مهم این است که نباید گذاشت این مبارزات دستمایه ای برای شوراها اسلامی و دارو دسته هایشان شود تا به این وسیله سعی کنند برای خود در محیط های کار اعتبار بدست آورند.

در اخبار منتشر شده در خبرگزاری های دولتی خبر خاتمه ده روز اعتصاب کارگران واگن پارس تحت عنوان اینکه "اعضای شورای اسلامی کار" برای نشان دادن "حسن نیت" خود به "مقام های محلی" از ۹۰۰ کارگر اعتصابی خواستند که تولید را از سر گیرند، اعلام شد. به این معنی که شوراها اسلامی ختم اعتصاب را اعلام کردند، بدون اینکه سخنی از این باشد که کارگران ده روز فرصت داده اند که اگر پاسخی داده نشود، دوباره اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت و در همان کوران مبارزاتشان وعده پرداخت یکماه از دستمزد معوقه شان به آنها داده شد. بدین ترتیب شورای اسلامی کارخانه واگن پارس توانستند همانطور که خودشان نیز اعلام کردند، حسن نیت کامل خود را به مقامات محلی و از

جمله به بختیاری فرماندار شهر اراک نشان دهند و کوشیدند نقش ترمز کننده خود را ایفا کنند، به این دلیل که دیدند اوضاع از دستشان خارج شده است. این نقشی است که امروز این تشکلهای دست ساز جمهوری اسلامی، تلاش دارند در بسیاری از مبارزات کارگری ایفا کنند و تقابل با آن هوشیاری ما را می طلبد. به این معنی که شدت گرفتن نزاعها و کشاکش های درون حکومت، دامنه اش به جنبش کارگری نیز کشیده شده است و یک تلاش حکومتیان اینست که ضمن استفاده از تشکلهای دست ساز حکومتی مثل دار و دسته های شوراها اسلامی و خانه کارگر برای مهار کردن و ترمز کردن مبارزات کارگری، جلوی دست درازی های بیشتر آنها بایستند تا مبادا برگ بازنده ای بدست حریف مقابل دهند. و در متن این کشاکش کارگران نیز فرصت تحرک بیشتری پیدا کرده و جلو می آیند و خواستههایشان را طرح میکنند. از همین رو دیدن این بازی و سیاست های دولت، کوتاه کردن دست شوراها اسلامی و دار و دسته های خانه کارگر از سر راه مبارزات کارگری و اتکا به مجامع عمومی کارگری شرط مهمی برای متحد نگاهداشتن صف اعتراضات کارگری است. این یک درس مهم ده روز مبارزه قدرتمند کارگران واگن پارس اراک است.

اهمیت و جایگاه ده روز مبارزه کارگران پارس واگن را میتوان در عکس العمل بختیاری فرمانداری شهر اراک به روشنی دید. روز ۷ دی بختیاری طی سخنانی میگوید: "حقوق ماه گذشته کارگران واگن پارس بنا به قول کارفرما و مدیر کارخانه در روزهای آینده به حساب آنان واریز می شود و بنا داریم با تعامل همه جانبه هرچه سریعتر به تنش حاکم بر فضای کارگری شهر اراک خاتمه دهیم." بعد نیز ادامه داده و میگوید: "طرح برخی مسائل در برخی رسانه های همسو با جریانهای ضد انقلاب با پوشش جهت دار و مسایل کذب و عاری

از واقعیت سبب شده تا این روزها نام شهر اراک در این رسانه ها شنیده شود." در آخر نیز بر اینکه درج خبر مبارزات کارگران در رسانه های خبری بر "هیمن آتش تنور رسانه های بیگانه و ضد انقلاب" می افزاید، تمام وحشت و هراسش را بیان میکند.

این سخنان بیش از هر چیز نشانگر قدرت اعتراضات کارگران واگن پارس و هپکو و اعتراضات کارگری در شهرهای مختلف است. با این قدرت میتوان جلوی اخراج ها را گرفت. با این قدرت میتوان دستمزدهای پرداخت نشده را نقد کرد و با این قدرت میشود به صف جنبش اعتراضی برای خواست افزایش دستمزدها پیوست.

علاوه بر دو اعتراض مهم کارگران لوله صفا و واگن پارس به دستمزدهای معوقه ما شاهد اعتراضات گسترده ای بر سر این موضوع که یک محور مهم مبارزات کارگری در ایران است، هستیم. نمونه هایی از این مبارزات در هفته جاری عبارتند از: اعتراض یک هفته ای ۲۹۰ کارگر معدن چشمه پودنه در کرمان به تعویق ۴ ماه حقوق معوقه خود که تا ۲۰ دیماه ادامه داشت، تجمع کارگران بازنشسته کارخانه ایران برگ در شهر رشت در بیستم دیماه به دلیل دریافت نکردن دستمزد سالهای پایان خدمت خود بعد از گذشت هفت ماه، اعتصاب کارگران کارخانه سرامیک های صنعتی اردکان در ۱۹ دی ماه به عدم پرداخت حقوق و مزایا و نا امنی محیط کارشان، اعتصاب کارگران شرکت کشت و صنعت هفته تپه در شانزدهم دی ماه به ۶ ماه دستمزد معوقه خود، تجمع اعتراضی کارگران شرکت کشت و صنعت بهکده رضوی در استان خراسان در شانزدهم دی ماه در اعتراض به عدم دریافت ده ماه حقوق و حق بیمه شان، تجمعات کارگران کارخانه سها سرام در شانزدهم دیماه در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزد، مبارزات کارگران پارس متال در اعتراض به دستمزدهای معوقه.

نگاهی به این اخبار نشان

میدهد که چگونه مبارزات کارگری بر سر دستمزدهای معوقه یک کانون دائمی اعتراض در شهرهای مختلف است. ظرفیت و پتانسیل این مبارزات را باید شناخت. این مبارزات میتواند بستری برای رفتن بسوی اعتراضات سراسری بر سرخواست افزایش دستمزدها باشد.

تصویری از یک روز اعتراض گسترده کارگری در هفته ای که گذشت

در هفته ای که گذشت فقط در روز ۱۷ دی هزاران کارگران در کارخانجات ایران خوردو، معدن زغال سنگ سنگرود، کارگران برق که به نمایندگی از ۵۰۰۰ کارگر در اعتراض به نوع قراردادهای استخدامی خود مقابل مجلس اسلامی تجمع داشتند، کارگران ایران تایر با بیش از ۷۰۰ کارگر که آنها نیز به قراردادهای کاری خود اعتراض داشتند، در اعتراض و مبارزه بودند. در همین روز یک موضوع دیگر اعتراض کارگران ایران تایر، اعتراض به لایحه "خروج از رکود اقتصادی" دولت است که که دست کارفرمایان را برای اخراج بیشتر کارگران باز میگذارد.

کارگران در برابر تعرضات حکومت اسلامی می ایستند

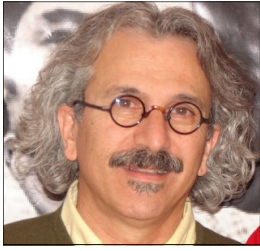
صبح روز ۲۵ دی کارگران جمعی از کارگران در اعتراض به تهاجم حکومت اسلامی به زندگی و معیشت کارگران تحت عنوان "تغییر قانون کار" در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. کارگران میگویند با تصویب این بند که می گوید: "قراردادهای با بیش از ۳۰ روز باید بصورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار در اختیار طرفین قرار می گیرد باشد." ما شاهد بیکاری گسترده کارگران در واحدهای بزرگ صنعتی و تولیدی خواهیم بود و این شامل همه کارگرانی که دارای قرارداد دائم هم هستند خواهد شد. کارگران میگویند در صورت تصویب این تبصره برای کارفرمایان به صرفه است که دیگر هیچگاه قرارداد

گفتگوی یک دنیای بهتر

پیرامون فاجعه تروریسم اسلامی در فرانسه و پی آمدهای آن

"جامعه بشری امروز نیازمند یک مبارزه همه جانبه برای مذهب زدایی است!"

علی جوادی



محمود / حملی: سال جدید، سال ۲۰۱۵ با حملات اسلامی سیاسی در پاریس روبرو شد. مردم در سراسر دنیا از اوج جنایت اسلام سیاسی در قلب اروپا به تکان در آمد و ما با اعتراضات وسیعی در کشورهای مختلف در اعتراض به عملیات تروریستی اسلام سیاسی در پاریس مواجه شدیم. تاکنون فجاج اسلام سیاسی عمدتاً به کشورهای خاورمیانه و آفریقایی محدود شده بود، ولی این بار می بینیم که پاریس شاهد عملیات تروریستی اسلام سیاسی بود. این مساله را چگونه توضیح میدهد؟

علی جوادی: این اولین اقدام تروریسم اسلامی نیست که در اروپا و آمریکا نیز فاجعه می آفریند. فاجعه خونین ۱۱ سپتامبر به عبارتی نقطه عطفی در گسترش دامنه تحرک این تروریسم کور و ضد انسانی بود. پس از آن نیز ما شاهد عملیات تروریستی متفاوت در انگلستان، اسپانیا، آمریکا و کانادا بودیم. به این اعتبار گسترش عملیات تروریستی در آمریکا و اروپا امر تازه ای نیست. اما شاید آنچه که ویژگی دوره حاضر را تعیین میکند این است که یک نشریه کمدی چپ و ضد مذهبی و منتقد دستگاه کثیف مذهب در قلب اروپا مورد تعرض آدمکشان اسلامی قرار گرفته است. و مدافعین بی شرم این اقدام اعلام کردند که "انتقام پیامبر اسلام" گرفته شد. و همانطور که انصار حزب الله در ایران در نشریه خود اعلام کرد که "حکم امام جعفر صادق اجرا شد". این اقدام جنایتکارانه اسلام سیاسی پدیده جدیدی نیست، تلاشی است برای محدود و مرعوب کردن چپ و جریانات ضد مذهب و سکولار

در جامعه. فراموش نکنیم زمانیکه سلمان رشدی کتاب آیه های شیطانی را به نگارش درآورد، حاج آقا خمینی حکم قتل وی را شخصاً صادر کرد و برای اجرای این حکم جایزه هنگفتی نیز تعیین کردند. این اقدام تروریسم اسلامی در راستای مجموعه اقداماتی است که این جنبش ارتجاعی برای تحمیل عقیدهای سیاسی و مدنی در این جوامع و گسترش حوزه نفوذ و عملیات خود در اروپا و آمریکا انجام میدهد.

محمود / حملی: ما با واکنش های متفاوتی در قبال این اقدام تروریستی مواجه بودیم. از یک طرف شاهد موج اعتراضات مردم در دفاع از آزادی بیان و محکوم کردن این حمله تروریستی هستیم و از طرف دیگر شاهد این هستیم که دولتمردان کشورها در صف اول تظاهرات علیه این اقدام جنایتکارانه قرار میگیرند. ارزیابی و تبیین شما از این واکنش ها چیست؟

علی جوادی: واکنش نسبت به این اقدام تروریستی بدون شک یکسان نیست. این واکنشها علی العموم از دو اردوی سیاسی موجود در جامعه صورت میگیرد. از یک طرف، که مشخصه ویژگی خاص شرایط حاضر است، ما شاهد اعلام نفرت و انزجار مردم عادی، قربانیان تروریسم اسلامی، آن موجودیتی که ما در ادبیات سیاسی خود تحت عنوان "نیروی سوم" یا "بشریت متمدن" از آن نام بردیم، هستیم. این اردوی اول است. گسترده و عظیم و پیشرو است. و اکنون به میدان آمده است. از طرف دیگر شاهد

واکنش جریانات دست راستی، فاشیستی، مهاجر ستیز و همچنین سردمداران دستگاه تروریسم دولتی و دولتهای ارتجاعی حاضر هستیم. مساله حائز اهمیت این است که این صفوف از هم قابل تمایز هستند، یکی نیستند، اهداف مشترک و سیاستهای مشترکی ندارند. یکی آزادخواه و پیشرو است، دیگری ارتجاعی و ضد انسانی و تروریست و از جنس تروریسم اسلامی، اما در جبهه مقابل. تظاهرات پاریس اگر پیامی داشته باشد این است که "جبهه سوم" نیروی اصلی این کشمکش و جدال است و نه آن مرتجعین دولتی که پیشاپیش صف اعتراض حرکت میگردند. این جریانات خود اگر چه در جبهه مقابل تروریسم اسلامی قرار دارند اما تماماً ارتجاعی و ضد انسانی اند، دارای کارنامه سیاهی در جنگ و کشتار و میلیتاریسم و قلداری و آدمکشی هستند. این جریانات خود یک پای مشروعیت بخشیدن و پر و بال دادن به جنبش اسلام سیاسی اند. حضور و تلاش این جریانات برای حقنه کردن خود به صف اعتراض مترقی و ضد مذهب علیه اسلام سیاسی نمیتواند ماهیت این اعتراضات توده ای را مخدوش کنند. این دو صف متعلق به دو جنبش و اردوی متفاوت هستند. اما نیروی اصلی در این تلاقی چند جانبه را بشریت متمدن و آزادخواه تشکیل میدهد.

محمود / حملی: برخی اقدام تروریستی در پاریس را محکوم میکنند اما در عین حال اعلام میکنند که اقدام نشریه چارلی هبدو عبور از "خط قرمز" است. توهین به پیامبر اسلام

است. قابل قبول نیست. در عین حال این اقدام تروریستی ربطی به اسلام ندارد. "اسلام میانه رو" با این اقدامات مخالف است. بخصوص اینکه در روزهای اخیر شاهد برگزاری تظاهراتی در آلمان بودیم که این اقدام را محکوم میکرد و اعلام میکرد که اسلام میانه رو دین رحمت و رافت است. پاسخ شما چیست؟

علی جوادی: این مجموعه یک تلاش سخیف در دفاع خجولانه از اقدام تروریستی در پاریس است. حتی اعلام ضمنی اینکه گویا نتیجه کاریکاتور نشریه هبدو این اقدام تروریستی است خود یک دفاع هر چند غیر مستقیم از جنایت اسلامیهستها است. تلاش برای ایجاد "خط قرمز" در مورد محمد و یا هر فرد و هر مقوله دیگری مانند مذهب و ملیت و غیره یک اقدام ارتجاعی و تلاشی برای تحمیل استبداد و ارتجاع و تحجر در جامعه است. ما مقدسات نداریم. ما هیچ خط قرمزی در ابراز وجود بیان نداریم. هیچ پدیده ای نمیتواند خود را در زورق "مقدسات" ببوشاند و برای خود مجوز "مصونیت سیاسی" دریافت کند و یا بدتر منتقدین خود را با حکم فتوا و قتل روبرو کند. رکن اصلی آزادیهای بی قید و شرط سیاسی از نظر ما نقد تمامی جوانب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مذهبی و ملی در جامعه است. آزادی قید و بند و محدودیت ندارد. حد و حصر ندارد. ما قاطعانه در مقابل هر جریانی که بخواهد محدودیتی بر آزادیهای سیاسی و ابراز وجود اجتماعی بگذارد، می ایستیم. نقد مذهبی همواره یکی از ارکان اصلی پیشرفت خود آگاهی

و تمدن بشری در طول تاریخ بوده است. خلاصی از عقاید و باورهای عمیقاً ارتجاعی و عقب مانده مذهبی نقش مهمی در تاریخ بشر داشته است. جلوگیری از این روند و حرکت تاریخی اقدامی برای ترمز گذاشتن بر پیشرفت بشریت است. تاریخ رنسانس، تحول عظیمی که در اروپا صورت گرفت، با نقد مذهب مسیحیت و دستگاه جنایتکار کلیسای مذهب شروع شد و با دهنه زدن بر پوزه این دستگاه مافیایی گسترش یافت. و امروزه نیز هر گام پیشروی بشریت در عین حال به نقد اسلام و اسلام سیاسی، به نقد خرافه، عقب ماندگی، ضدیت با زن، ضدیت با خوشی و شادی در جامعه، گره خورده است. جریانات اسلامی که بعضاً با کمک دول و رسانه و آکادمی های غربی به میدان آمده و مخالفت خود را با اقدامات تروریستی اسلام سیاسی اعلام میکنند، اینها نیز در زمره مخالفین آزادی بیان و نقد هستند. ما عمیقاً معتقدیم که شرایط برای یک مبارزه گستره و همه جانبه علیه کلیت مذهب و جنبش اسلام سیاسی فراهم است. باید تلاش کرد که ریشه های مذهب را در جامعه در یک پروسه آگاهگرانه خشک کرد. باید دول اسلامی را به زیر کشید. باید بساط گروههای اسلامیهستی تروریستی را جمع کرد.

تظاهرات دولتی - اسلامی در آلمان گوشه ای از سیاست ارتجاعی تقسیم اسلام به "خوب و بد"، "تندرو و میانه رو"، "فاندمنتالیسم و غیر فاندمنتالیسم" است. تلاش میکنند جناحی از اسلام سیاسی

پیرامون فاجعه تروریسم اسلامی در فرانسه و پی آمدهای آن

را، جناحی که سیاست "ترم تری" در قبال غرب دارد را در مقابل بخش دیگر به میدان آورند. این تقسیم بندیها نتیجه ای جز بقاء اسلام سیاسی و گسترش پایه های آن به کمک این دول غربی ندارد. و ما کسانی که قربانیان اسلام سیاسی هستیم بهتر میدانیم که اسلام "خوش خیم" نداریم. اسلام سیاسی و دستگاہ اسلام یک هیولای سیاسی است که باید شرش از سر جامعه کم کرد. هر گونه امتیاز دادن و سازش با بخشی از اسلام سیاسی منجر به تقویت صفوف این جنبش ارتجاعی خواهد شد. ببینید کسانی که به دستگاہ کلیسای مسیحیت دهنه زدند با پرچم مسیحیت مدرن و صلح دوست وارد نشدند. تنها در چنین پروسه ای است که میتوان همان سرنوشت دستگاہ مسیحیت را برای دستگاہ اسلام و جنبشهای اسلامگرایستی رقم زد. جامعه بشری امروز نیازمند یک مبارزه همه جانبه برای مذهب زدایی است.

محمود / حملی: برخی در پاسخ خواهند گفت که نقدی که از جریان اسلام شما و جریانهای مانند چارلی هبدو و حزب کمونیست کارگری انجام میدهند میتوانند به اسلام هراسی در جامعه منتج شود. پاسخ شما چیست؟

علی جوادی: من اذعان میکنم که یکی از مختصات جنبش ما مقابله همه جانبه با دستگاہ مذهب و تلاش برای مذهب زدایی از جامعه است. مبارزه برای جدایی دین از دولت، مبارزه برای کوتاه کردن دست مذهبی از زندگی مردم، امری است که ما در دستور خود قرار داده ایم. این یک پروژه ما است. ما ضد مذهبیم. مذهب بمشابه یک باور عهد عتیق و ارتجاعی میتواند وجود داشته باشد،

میتواند هوادارانی داشته باشد اما بساط دستگاہ مافیایی مذهب و اسلام سیاسی را باید برچید. این خصلت جنبش ما یک خصیصه مهم و حیاتی در رشد و آگاهی جامعه است. یک شرط رهایی جامعه بشری رهایی از سلطه و قید و بندهای مذهب است. کسانی که بحث "اسلام هراسی" را مطرح میکنند، مدافعین آشکار و خجول اسلام هستند. اگر اسلامی نباشند، بر این باور ارتجاعی اند که اسلام پدیده ای قائم به ذات منفی و ارتجاعی نیست و نباید مورد نقد و تمسخر قرار گیرد. تلاش میکنند که جامعه فراموش کند که اسلام در چه پروسه خونین و سیاهی سیطره خود را در بخشهایی از جهان گسترانده است. واقعیت این است که نمیشود تروریسم اسلامی را نقد کرد اما فلسفه و باورهای عقیدتی و تاریخی این جریان را نقد نکرد. ما ماهیت این تلاشهای ارتجاعی را افشاء و نقد میکنیم.

محمود / حملی: در مقابل برخی خواهند گفت که آتش زدن مساجد و تظاهراتهای فاشیستی در اروپا ناشی از این "اسلام هراسی" است. در باره آتش زدن مساجد چه میگویند؟

علی جوادی: همانطور که قبلاً اشاره شد امروز دو صنف، دو اردو در مقابله با اسلام سیاسی در صحنه سیاست فعال است. یکی ارتجاعی و دیگری مترقی و پیشرو است. تلاش برای یک کاسه کردن این دو صنف یک سیاست ارتجاعی برای جلوگیری از نقد اسلام و اسلام سیاسی توسط ما و اردوی آزادیخواهی است. ما نمیگذاریم این مدافعان خجول اسلام از تحریک جریانهای فاشیستی و ارتجاعی بمشابه چماقی علیه صنف ما استفاده کنند. اما در باره مساله آتش

مراکز را باید تبدیل به مراکز عام المنفعه مانند کتابخانه، مراکز تفریحی و کلینیک و غیره تبدیل کرد.

محمود / حملی: حسن

روحانی رئیس حکومت اسلامی اعلام کرده است که مخالف چنین اقداماتی است، گفته است اسلام دین رحمت و عطف است. از طرف دیگر اعلام کرده است که نشریه چارلی هبدو به پیغمبرشان اهانت کرده و از خط قرمز عبور کرده است.

علی جوادی: ببیند موضع

واقعی حکومت اسلامی روشن است. اینها خود بانیان تعرض و ترور علیه آزادیخواهی و نقد مقدسات هستند. پرونده جنایتشان علیه مردم ایران و منطقه روشن و حجیم است. حکم قتل سلمان رشدی را سرکرده این جریان صادر کرد. اما از آنجائیکه در شرایط سیاسی و بین المللی وخیمی قرار دارند نمیتوانند حرف دلشان را راحت و بدون بخود پیچیدن مطرح کنند. برای پی بردن به واقعیت موضع رژیم اسلامی باید به روزنامه کیهان و انصار حزب الله و غیره

از صفحه ۸

هفته ای پر از اعتراض در میان کارگران

مراجعه کنید. آنها دارند موضع واقعی حکومت اسلامی را بیان میکنند و همانطور که قبلاً اشاره کردم گفتند که حکم "امام جعفر صادق اجرا شد". واقعیت انکار ناپذیر این است که بند ناف این جریان را با ترور و کشتار و جنایت و سنگسار و اعدام و خشونت قطع کرده اند. اینها تروریسم و خشونت کور اسلامی را به جامعه بشری ارائه کردند. اما دولت "تدبیر و امید" اسلامی یک رکن تلاش مذبحخانه شان این است که خودشان را از زیر ضرب اعتراض گسترده توده ای علیه اسلام سیاسی خارج کنند. دارند تلاش میکنند جایی برای خود در صفوف کاذب اسلام "غیر رادیکال"، "اسلام صلح دوست" دست و پا کنند. این مبنای موضع گیری دولت اسلامی و دست و پا زدنهایشان است. دین "رحمت و عطف" این اوباش جنایتکار را نیز دیده ایم. تاکید میکنم بشریت امروز نیازمند یک مبارزه همه جانبه اجتماعی برای مذهب زدایی از تمامی شئون اجتماعی زندگی مردم است. *

قانون کار "طرح خروج از رکود" و غیره و غیره سعی میکنند شناسش را امتحان کند. در این هفته ما شاهد اعتراضات و تجمعات کارگری در برابر این طرحها در مقابل مجلس اسلامی بودیم. طرحهایی که خود بستر اعتراض هزاران کارگر است.

مبارزات کارگری در هفته ای که گذشت، نشانگر فضای انفجاری در محیط های کارگری است. نگاه کردن به این مبارزات در متن فضای ملتهب جامعه، جایگاه واقعی این مبارزات را مقابل چشم ما میگذارد و نشان از وزن مهم این مبارزات در اوضاع متحول امروز دارد. *

کتبی نبندند چرا که در این صورت بطور اتوماتیک طول عمر قراردادها حداکثر ۳۰ روزه خواهد شد و کارفرما هر زمان که اراده کند می تواند کارگر را اخراج و حداکثر خسارت اخراج به کسری از ۳۰ روز خواهد رسید. نتیجه تصویب این تبصره تحمیل بردگی بیشتر به کارگران است. اعتراضات در برابر چنین تهاجمات یکی از عرصه های مهمی مبارزات کارگران است و هر بار که رژیم دورخیز کرده و طرحی را به جلو کشیده است، با مبارزات کارگران عقب رانده شده است. اکنون حکومت با طرح های متفاوتی چون "تغییر در

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

توده گیر شدن توهین به نیروها و دولتهای اسلامی!

انتشار شماره جدید چارلی ابدو در سه میلیون نسخه و به فروش رسیدن آن در عرض چند ساعت پاسخ محکمی به جانپان اسلامی مهاجم به دفتر این نشریه، و به همه دولتها و نیروهای اسلامی در سراسر دنیا بود.

به گزارش خبرگزاریها انجمن جهانی فقهای اسلامی، دانشگاه اسلامی الازهر، جمهوری اسلامی، دانشجویان اسلامگرای ترکیه، نیروهای اسلامی در فیلیپین و رادیو البیان متعلق به داعش، به چاپ کاریکاتور محمد در شماره جدید چارلی ابدو اعتراض کرده و آنرا توهین به مسلمانان دنیا دانسته اند. اما این دولتها و نهادها نه تنها مردم منتسب به اسلام را نمایندگی نمیکند بلکه خود نماینده و عامل سرکوب و کشتار و تحمیل قوانین ضد انسانی شریعه در جوامع اسلامزده هستند.

همراهی و همصدائی این مراکز ارتجاع در محکومیت شماره جدید چارلی ابدو نشاندهنده شکست ترور پاریس و پیروزی میلیونها مردمی است که یکشنبه گذشته در پاریس و دیگر شهرهای اروپایی با شعار من چارلی هستم به خیابانها ریختند. میلیونها مردمی که اکنون با استقبال بیسابقه از شماره جدید چارلی ابدو یکبار دیگر انزجار خود را از تروریستهای اسلامی و حمایت خود از نقد و هجو مقدسات و تابوهای مذهبی را به نمایش میگذارند. اما چارلی ابدو تنها تعرض مردم اروپا به اسلامیون را نمایندگی نمیکند، میلیونها مردمی که

بیش از سه دهه است در ایران با جمهوری اسلامی میجنگند و مردم تونس که بعد از بزیر کشیدن بن علی مبارزه پیگیری را علیه حزب النهضه به پیش میبرند و جنبش ترمرد در مصر که با طومار ۶ میلیونی و تظاهرات ۱۴ میلیونی اخوان المسلمین را بزیر کشید، همه بخشی از حرکت توده ای هستند که در حمایت از چارلی ابدو در اروپا آغاز شده است. کاریکاتورهای چارلی ابدو توهین به مقدسات و کل هویت و ایدئولوژی نیروها و دولتهای اسلامی است و توده مردم جوامع اسلامزده نیز در این هجو و نقد اسلام عمیقاً شریک و همراهند. مردم این جوامع در تجربه هر روزه خود توحش و جنایت دولتها و نیروهای اسلامی را تجربه میکنند و مدتهاست نقد و هجو مذهب یک سلاح آنان در مقابله با ارتجاع و توحش اسلامی است.

موضع گیری در مورد انتشار شماره اخیر چارلی ابدو، صف نیروهای اسلامی و توده مردم آزادخواه جهان را جدا میکند. در این میان دولتها و رسانه های غربی که از چاپ و پخش کاریکاتورهای چارلی ابدو به بهانه "توهین به مقدسات مسلمانان" خود داری میکنند در کنار نیروهای اسلامی و در برابر صف مردم قرار میگیرند. در نبردی که علیه اسلامیسم آغاز شده است پرچم در دست چپ انقلابی، کمونیستها و نیروهای سکولار و اته نیست و آزادیخواه است. *

مذهب زدائی از جامعه امر مبرم بشریت است!

قتل عام مردم شهر باگا در شمال نیجریه بوسیله تروریستهای بوکوحرام برگ دیگری بر پرونده قتل جنایات وحشیانه نیروهای اسلامی اضافه کرد. به گزارش سازمان عفو بین الملل شمار قربانیان این قتل عام به صدها نفر بالغ میشود. در این یورش بیش از ۳۷۰۰ ساختمان با خاک یکسان شده و مدارس و بیمارستانها به آتش کشیده شده اند. به گفته یکی از شاهدان عینی کشتار مردم بوگا، اعضای بوکوحرام حتی به یک زن باردار در موقع وضع حمل شلیک کرده و او را به قتل رسانده اند.

ایدئولوژی این توحش اسلام است. همان ایدئولوژی ای که داعش و القاعده و حزب الله و جمهوری اسلامی و دولت عربستان سعودی نیز به آن متکی است. هریک از این نیروها مدعی است خود نماینده اسلام راستین است و بقیه مسلمان واقعی نیستند، اما وجه مشترک همه آنها جنایت و کشتار و تیغ کشیدن بروی انسانیت و تمدن و آزادی است.

اسلام با هر تعبیر و قرائتی طرفیت بی پایانی در کشتار و سرکوب و سببیت دارد. یهودیت و مسیحیت نیز دست کمی از اسلام ندارند، اما اینها دوران

افسار گسیختگی خود را پشت سر گذاشته اند. آن هیولاها را بشریت متمدن به قدرت رنسانس و جنبش روشنگری و انقلاب در علم و فلسفه و هنر، افسار زده و در قفس کرده است. و اکنون نوبت اسلام فرارسیده است. ضرورت و کاربرد سیاسی درنده خوئی مسیحیت، قرون وسطی و جوامع فئودالی در اروپا بود و ضرورت و کاربرد توحش اسلام سیاسی، سرمایه داری بحرانیزده قرن بیست یک در خاورمیانه و شمال آفریقا است. این یکی را هم باید بقدرت نود و نه درصدهای جهان در قفس کرد. دست این یکی را هم باید از دولت و قانون و سیستم تحصیلی و قضائی قطع کرد و از دخالت در زندگی خصوصی افراد و زندگی اجتماعی مردم باز داشت. جهان نیازمند رنسانس دیگری است. یک رنسانس سوسیالیستی که ریشه نه فقط اسلام بلکه همه مذاهب را قطع کند و بشریت را برای همیشه از شر طاعون مذهب رها سازد. مارش عظیم پاریس میتواند نقطه آغاز این حرکت باشد. *

باخته است. دیگر حتی از گشت ارشاد و مامورین خیابانی نهی از منکر کاری ساخته نیست. امام جمعه توصیه میکند "عدهای از افراد برای نهی از منکر آموزش داده شوند و به همراه آنان چند تن از نیروهای انتظامی حضور داشته باشند تا چنانچه ناهیان منکر مورد هجوم افراد ناباب قرار گرفتند با آنان برخورد شود." قرار است برای حفاظت ناهیان از منکر از چنگ مردم خشمگین چند تن اوباش حکومتی را با آنها همراه کند.

زنان بی حجاب و چهره کریه جمهوری اسلامی!

حجابی، در جامعه گسترش پیدا کرده است. و دقیقاً بهمین دلیل است که مقامات و امام جمعه ها و آیت الله های ریز و درشت مدام از حجابی می نالند و به یکدیگر هشدار میدهند. اما این شکوه و شکایتها راه بجائی نمیرسد. جمهوری اسلامی جنگ بر سر حجاب را فی الحال

سیستم دولتی تصویر میشود. پیچیدن کالای جنسی زن در چادر سیاه جزء لایتجزای این تصویر اسلامی است. زنان بی حجاب نماینده چهره انسانی جامعه هستند و این بر چهره اسلامی حکومت خط بطلان میکشد. دقیقاً به همین دلیل است که بد حجابی و امروز باید گفت بی

"بد حجابی چهره اسلامی کشور را از بین میبرد." امام جمعه تهران درست است! "چهره اسلامی کشور" با اسید پاشی به روی زنان، با رکورد اعدام و رکورد تعداد زندانیان، با رکورد بیکاری و گرانی سرسام آور، و با رکورد فساد و دزدی مقامات و کل



اما این هم دردی از دولت دوا نمیکند. مشکل حکومت اینست که حتی اوباشان حکومتی از هجوم "افراد ناباب" در امان نیستند! *

رهایی از چنگ اوباش اسلامی و غارتگران حاکم بر آن کشور دارند. باید به هر وسیله به کمک آنها شتافت. باید به دولت‌های اروپایی برای قطع هر گونه ارتباط با دولت‌ها و گروه‌های اسلامی فشار آورد، باید دولت‌ها و نیروهایی که تامین کننده اسلحه و امکانات مالی برای نیروهایی نظیر بوکوحرام و داعش هستند، افشا کرد. جنایات نیروهای اسلامی در نیجریه، ایران و سایر کشورهای اسلامزده هر چه بیشتر باید افشا شود و باید با سیاست مماشات دولتهای غربی با دولت‌های اسلامی یا نیروهای قومی مذهبی عقب مانده در کشورهای مختلف، مقابله شود. مبارزه برای برپایی جوامع لائیک و قوانین سکولار در اروپا و سایر نقاط جهان و کوتاه کردن دست مذهب از جوامع انسانی و روابط اجتماعی یکی از پیش شرط‌های بوجود آمدن آسایش، امنیت، صلح و خوشبختی برای همه مردم جهان است.*



ایستاده است. صف متحد مردم جهان در حمایت از مجله شارلی هبدو میزان نفرت مردم از جنایتکاران اسلامی را نشان داد. در این هفته دنیا علیه نیروهای اسلامی پیا خاست و آنها را تحت فشار قرار داد. جمهوری اسلامی و سایر دولت‌های اسلامی به موضع دفاعی افتادند و موج بزرگی از همبستگی با شارلی هبدو در ایران به حرکت درآمد. دنیا بیش از هر زمان دیگری آمادگی دارد که قاطعانه از مبارزات مردم در کشورهای اسلامزده علیه توحش و ارتجاع حاکم، حمایت کند. صف حمایت از مردم نیجریه باید شکل بگیرد. آنها احتیاج به کمک جهانیان و

بوکوحرام برای تحکیم پایه های خلافت آنها است. بوکو حرام، داعش، طالبان، القاعده، الشباب در نیجریه، جمهوری اسلامی، حکومت سعودی در عربستان، دولت افغانستان، دولت عراق و ... نامهای آشنای سالهای اخیر هستند. نامهایی که با سر بردن، کشتار، ترور، سنگسار، قطع دست و پا، زن ستیزی و کودک آزاری، ایجاد رعب و وحشت و دشمنی با دانش و علم، رفاه و شادی و هر آنچه انسانی است، ... و قوانین و احکام اسلام، عجین هستند. اما انسانیت و بشریت متمدن امروز در مقابل این اوباش

اوج دیگری از توحش اسلامی در نیجریه

بهروز مهرآبادی

سپردند. فضای متشنج جنگهای مذهبی و قبیله ای برای رشد دستجات مسلح و جنایتکار اسلامی مناسب بود. از دو دهه قبل نیروهای سلفی توانستند در نیجریه برای خود پایگاه ایجاد کرده و دستجات مسلح خود را سازمان دهند، حتی جمهوری اسلامی هم دستجات هوادار خود را در نیجریه بوجود آورد که در مقایسه با نیروهای سلفی ناچیز هستند. بر اساس قانون اساسی نیجریه نظام سیاسی این کشور سکولار است اما از سال ۱۹۹۹ اجرای قوانین شریعه در ۱۲ استان شمالی این کشور آغاز شد.

با اجرای قوانین شریعه زندگی برای مردم شمال نیجریه بسیار سخت تر شد. فشار به زنان چندین برابر شد و قوانین حجاب اجباری و ممنوعیت تحصیل و فعالیت های اجتماعی برای زنان به اجرا درآمد و شلاق زدن، اجرای حدود اسلامی و اعدام و سنگسار تبدیل به صحنه های عادی شهرها شد. اما نیروهای اسلامی به این اکتفا نکرده و خواستار اجرای قوانین شریعه در سراسر نیجریه شدند. بوکو حرام در ارتباط با القاعده از سال ۲۰۰۲ بوجود آمد تا سنت های پیغمبر اسلامی را در این کشور عملی سازد. نام بوکو حرام به معنی حرام بودن تحصیل و آموختن دانش است، آنها حتی اعتقاد به کروی بودن زمین را کفر می دانند. آنها در شمال نیجریه خلافت اسلامی اعلام کرده و تخریب مدارس و کشتن دانش آموزان و معلمان مهمترین اولویت آنها است. دزدیدن و به بردگی بردن دختران دانش آموز، کشتار کارگران و دانشجویان، برگزاری محاکم اسلامی و به آتش کشیدن شهرها و دهکده ها و کشتار مردم بخشی از اقدامات

ابعاد کشتار مردم در مناطق شمال شرق نیجریه توسط گروه اسلامی بوکوحرام را بسادگی نمی شود تصور کرد. اما این اخبار یک کابوس وحشتناک نیست، واقعیتی است که در بخش بزرگی از آن کشور در جریان است. دولت نیجریه تعداد کشته شدگان را ۱۵۰ نفر اعلام کرده است تا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری که قرار است کمتر از یک ماه دیگر برگزار شود، خود را مسلط بر اوضاع نشان دهد. اما بر اساس گزارش نهادهایی نظیر عفو بین الملل تعداد کشته شدگان حداقل ۲۰۰۰ نفر است. تصاویر ماهواره ای نشان میدهد که فقط در دو شهر باگا و دورون باگا ۳۷۰۰ ساختمان نابود شده است. شاهدان عینی خبر می دهند که دهکده ها و شهرها به آتش کشیده شده و ویران میشوند و اسلاميون بوکوحرام به هیچ موجود زنده ای رحم نمی کنند.

در کشاکش قدرت بین باندهای مختلفی که زمام نیجریه را در دست دارند، و بر سر درآمد نفت و منابع سرشار طبیعی با هم رقابت دارند، یک فاجعه بزرگ شکل گرفته و در حال گسترش است. نیجریه را رسماً به دو بخش مسیحی و مسلمان تقسیم کرده اند و روسای ۲۵۰ قبیله و گروه قومی هر کدام منطقه نفوذ خود و نیروهای مسلح خود را دارند که به غارت مردم مشغولند. تخمین زده میشود که بیش از ۷۰ درصد جمعیت ۱۷۰ میلیون نفری نیجریه زیر خط فقر بسر میبرند. از سال ۱۹۶۰ تاکنون هزاران نفر در جنگهای مذهبی بین نیروهای مسیحی و مسلمان کشته شده اند. فقط در طول جنگهای داخلی که از سال ۱۹۶۷ به مدت سه سال ادامه داشت بیش از یک میلیون نفر بر اثر گرسنگی جان

DIEU N'EXISTE PAS...

خدا وجود ندارد ...





اروپا در خیابان، نماینده این میلیونها نفر مردم مترقی کیست؟

مینا احدی

مسلم برپا میشود، ما یک شعار محوری با خود می‌کنیم نه به فاشیسم و خارجی ستیزی، نه به جنبش اسلامی!

در حرکت اعتراضی چهارشنبه در کلن، یک جمع دو هزار نفره که سخنران آنها نوید کرمانی نویسنده ایرانی-آلمانی بود در جایی دیگر جدا از تظاهرات مایعنی در میدان "اپل هوف پلاتز" در مورد حمله به شارلی ابدو حرف زدند و در میتینگ علیه نازیست ها نبودند، در آنجا کرمانی گفت باید به این کوگیدا به اندازه وزش اهمیت داد. کرمانی طبعا در مقام یک مسلمان حرف میزد و قبلا هم سیاست و روش او را در آلمان دیده ایم، اسلام را میتوان رفم کرد و از طریق این تزا البته باید اضافه کنم، میتوان شغلی دست و پا کرد و به نان و نوایی در جامعه ای رسید که بر پایه نسبیت فرهنگی و رنگ و لعاب دادن به جنبش اسلامی پیش میرود. از نظر من در آلمان با تظاهرات های پگیدا در دسدن همه باید به این جنبش پاسخ درخور میدادند، و چه کسی بهتر از ما که هم علیه جنبش اسلامی است و هم راسیسم، و اینرا مردم آلمان در همین یک هفته با استقبال فراوان پذیرفته اند.

نمیتوان در مورد شارلی ابدو حرف زد بدون حمله به تروریسم اسلامی و نمیتوان از آزادی بیان دفاع کرد بدون نقد اسلام و مذهب و اشاره به ترورهای این جنبش در ایران و عراق و افغانستان و عربستان سعودی و پاکستان!

اوضاع چنین است که باید جنبش میلیونی مردم مترقی و انسان دوست اروپا را به سوی

مقابل اینها صف کشیدند و در هیچ شهر آلمان تعداد افراد حاضر در این میتینگهای پگیدا چند صد نفر نبود و در مقابل هزاران نفر در مواردی ۳۵ هزار نفر در مقابل اینها ایستادند. یک شکاف در بین این جنبش تا همین امروز ایجاد شد. مثلا در کلن آلمان بعد از تظاهرات هفته گذشته همه ما علیه کوگیدا که چراغهای کلیسا هم برای اولین بار تحت فشار مردم خاموش ماند، مردم اندکی که در

در آلمان یک واقعه دیگر توجه ها را بخود جلب کرده است تظاهرات های دو شنبه ها در دسدن آلمان که با چند صد نفر شروع شد و آخرین تظاهرات بیش از سی هزار نفر بودند و اینها از سوی جریانات و افرادی به خیابان فراخوانده شده اند که رگ و ریشه اشان از نازیست های آلمان و جریانات ضد خارجی بود. یک شعار محوری اینها مقابله با اسلامی کردن آلمان است و مردم یعنی هزاران نفری که در دسدن

نکته مهم این بود که بعد از چند سال افشاگری در اروپا علیه این جنبش و بعد از چندین سال دیدن جنایات این جنبش وحشی و مقابله و مقاومت تعداد اندکی از روشنفکران و نهادها و بویژه مبارزه مردم در کشورهای اسلام زده و بنظر من در راس این مبارزات، اعتراضات مردم و زنان در ایران، دنیا را بیدار کرده و این بار در ابعاد میلیونی مردم مترقی اروپا و دنیا به جنبش اسلامی نه میگویند.

این روزها سرمان بسیار شلوغ است. اگر در بیست سال گذشته زندگی در اروپا، یک کار دائمی افرادی مثل من این بوده که علیه جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و حکومت نکتب اسلامی و علیه سنگسار و اعدام به خیابان برویم، بنظر میرسد این روزها جامعه اروپا هم شکاف خورده و مردم با علاقمندی فراوان به خیابانها ریخته اند، علیه جنبش اسلامی.

در شهر ما کلن در آلمان، در مقابل کلیسای بزرگ "دم" ما صدها بار تظاهرات سازمان داده ایم. به نوعی که دختر کوچک وقتی زبان باز کرد، از بس به این محل آمده و میتینگ دیده بود فکر میکرد اسم این خیابان، "تظاهرات" است. امروز هزاران و هزاران نفر با فرزندان خود در این محل حاضر میشوند و علیه جنبش اسلامی شعار میدهند. در دفاع از آزادی بیان و علیه تروریسم اسلامی!

ما به شوخی به همدیگر می گویم، از بس به خیابان آمدم و با این مردم حرف زدیم، بعد از بیست سال آنها هم به ما پیوسته و آمده اند تکلیف یک جنبش ارتجاعی و انسان ستیز و وقیح را روشن کنند.

این هفته در شهر ما کلن در آلمان و همچنین در همه شهرهای آلمان و اروپا و دنیا غوغا بود. در پاریس تروریستهای اسلامی به دلیل چاپ کاریکاتورهایی در مورد محمد و یا نقد اسلام و البته همه مذاهب، در روز روشن با بیرحمی تمام به محل کار بهترین کاریکاتوریست های دنیا و چپ ترین و انسان دوست ترین افراد حمله کرده و بیش از هفت نفر را در دفتر شارلی ابدو کشتند. این البته اولین ترور این جانیان نبود ولی



صف آنها بودند نیز از آنها جدا شدند و روز چهارشنبه طبق گزارش رسانه ها در کلن، فقط راسیستهای دو آتشه و کله تراشیده ها ۸۰ نفر بودند که با پرچم آلمان آمده بودند و در مقابل اینها ۶۵۰۰ نفر صف کشیده بودیم و نمیکذاشتیم در کلن پایشان را بر زمین کوبیده و علیه انسانیت شعار دهند.

تقریبا در همه جای آلمان غربال میشوند و رهبران راسیست و نازیست این حرکت تنها میمانند. فقط دسدن هنوز در بر گیرنده هزاران تظاهرات کننده است.

در تظاهرات های شهر کلن آلمان که به فراخوان سازمانهای متعدد و از جمله نهاد اکس

به خیابان میروند، طبعا نازی و فاشیست نیستند، اینرا همه اذعان میکنند. این حرکت به درست در آلمان با موجی از مقابله و اعتراضات خیابانی و همچنین مباحثات داغ پاسخ گرفت.

در ابتدا جامعه آلمان در مقابل خارجی ستیزی و فضای راسیستی علیه مهاجران و پناهندگان و... از سوی این تظاهرات ها یکپارچه پاسخ داد. در همه شهرهای آلمان، به محض اعلام میتینگ از سوی جریان پگیدا که در هر شهر اولین حرف آن شهر را به اسمش می افزود و مثلا در کلن به اسم کوگیدا و در بن به اسم بوگیدا تظاهرات میکرد، هزاران نفر در

اینک یک نبرد مهم بر سر آزادی بی قید و شرط و بینهایت بیان و نقد مذهب و اسلام در اروپا در جریان است. و شارلی ابدو در محور این اعتراضات هست و خوشبختانه بعد از ترور نیز کوتاه نیامده و در راس این اعتراضات کماکان می درخشد. روز چهارشنبه ۱۴ ژانویه یک روز مهم در دفاع از آزادی بیان و اعلام ترسیدن از جنبش انسان کش اسلامی بود، نشریه با کاریکاتور محمد مجددا چاپ شد و دنیا با استقبال از این نشریه و این حرکت نشان داد که روزهای سرازیری جنبش اسلامی شروع شده به همت میلیونها نفر مردم دنیا به همت دریای انسانیت!

اروپا در خیابان، نماینده این میلیونها نفر مردم مترقی کیست؟

جنبش علیه فاشیسم اسلامی در همه جای جهان سوق داد و توجه ها را به جنایات اینها در کشورهای اسلام زده کشاند و چه کسی بهتر از ما قربانیان و مبارزین علیه جنبش اسلامی میتواند این امر مهم را انجام دهد.

آلمان کشور مماشات با جنبش اسلامی است، سیاست رسمی در این کشور بر پایه نسیت فرهنگی و همیاری و کمک به دولتهای فاشیست اسلامی بنا شده است، در قبل منافع عظیم مادی و اقتصادی دولت آلمان با کمال وقاحت در مورد سنگسار و جنایات اینها مثلا در ایران چشم می بندد و همواره دست دوستی به سران جنایتکار اسلامی داده و مهم نیست کدام حزب در قدرت باشد سوسیال مسیحی و یا سوسیال دمکرات و سبز و چپ همه پرو اسلامی هستند یکی بدلیل ضد امپریالیست بودن و دیگری نسیت فرهنگی عمیق داشتن و یا بهر دلیل آنچه ما از این جنابان دیدیم، دستهای آلوده به خونشان بود که به دلیل دست دادن با احمدی نژاد و روحانی و خاتمی و دیگران در مقابل چشمان ما می گرفتند.

اکنون این دولت و این سیاست رسمی چه عکس العملی به جنایت در پاریس نشان میدهد، بنظر من مضحک ترین و زشت ترین رفتارها!

مماشات بیشتر با سازمانهای اسلامی در آلمان، دست در دست رهبر شورای مسلمانان آلمان جناب مرکل و یواخیم گاوک راهپیمایی میکنند و درست در این هفته مجددا کنفرانس اسلام را با عجله سازمان داده و به سازمانهای اسلامی قول دادند، بیشتر به آنها امکانات و توجه افکار عمومی را هدیه کنند کما اینکه روز چهارشنبه در برلین همین کار را کردند.

ما مخالف صد در صد این سیاست بوده و هستیم و اینرا با صدای بلند اعلام کرده ایم. به جرات میتوانم بگویم تنها صدای اعتراضی در مقابل این سیاست دولت آلمان ما بودیم. طبعا سیاست رسمی در مقابل ما است و امکانات رسانه ای و غیره در دسترس ما نیست. ولی همان قدر که امکان رفتن به تلویزیون و رسانه های رسمی را با زحمت فراوان و به فشار افکار عمومی به دست آورده ایم استقبال از حرفهای ما بسیار زیاد است.

بعد از گفتگوی روز سه شنبه ۱۳ ژانویه در تلویزیون فونیکس، من نامه های زیادی از مردم گرفته ام که نوشته اند بالاخره کسی حرف ما را زد و نامه هایی به دفتر تلویزیون رفته که همین را برای آنها هم نوشته اند.

<https://www.youtube.com/watch?v=3CbdlPyS16g&feature=share>

دوستان این روزها آلمان صحنه نبرد خیابانی بین دو گرایش اصلی است مبارزه با

جنبش اسلامی به روش شارلی ابدو و کوتاه نیامدن و پس زدن جنبش اسلامی، یا به روش مرکل که کم مانده حجاب سرش کند تا دل جنبش اسلامی را به دست آورد که در آلمان ترور نکنند. مقابله مردم مترقی و میلیونها نفر که علیه راسیسم اسلامی و راسیسم اروپا محور هستند و مماشات دولتها با جنبش اسلامی و زمینه دادن به رشد بیشتر راسیسم در اروپا.

این کنه سیاست مرکل است روابط گسترده سیاسی و اقتصادی با دوول جنایت پیشه اسلامی و در داخل آلمان چاپلوسی جنبش اسلامی برای ساکت کردن تروریستهای اسلامی، مهم نیست ۵۰۰ نفر از این تروریستها از آلمان به سوریه و عراق رفته باشند و زن حراج کنند! نه اینها مهم نیست. یک نکته در سیاست رسمی در آلمان باید مورد توجه و اعتراض قرار بگیرد. دولت آلمان به همه مردم فراری از دست جنبش اسلامی و همه مهاجرین و

پناهندگان مهر مسلمان زده و آنها را دو دستی تقدیم آخوندها و اسلامیهها در آلمان کرده است. ظاهرا یک مردک شبیه به خامنه ای و روحانی در اینجا نماینده ما هست و مرکل میتواند با دست دادن به او حق مسلمانها را به رسمیت بشناسد و دل ۵ میلیون مسلمان را به دست آورد!!!

این رفتار با میلیونها نفر مردم مهاجر و پناهنده در آلمان که از کشورهای اسلام زده آمده اند به غایت راسیستی است. چرا که چند مرد مرتجع اسلامی و یا چند زن محجبه را نماینده میلیونها نفر مردم معرفی میکنند و در نهایت فکر میکنند که همه این میلیونها نفر مدافع جنبش اسلامی هستند و برای ساکت کردن اینها باید به مردان مرتجع اسلامی امکانات دهد و کمی هم ادویه شریعه در آلمان را قاطی کند که شامل حجاب کودکان و یا دادگاههای پنهان شریعه و یا قتل ناموسی هستند و سپس به ازای این امتیاز دادن ها به جنبش اسلامی، یک امتیاز بگیرد که در آلمان ترور نکنند و مرکل خوش و خندان ریاست خود را پیش میبرد.

دوستان گرامی! در این دنیای واقعی سیاست در آلمان باید وارد گودی استخر

سیاست شد و نمایندگی مردم را کرد. مردمی که علیه جنبش اسلامی هستند و علیه راسیسم و فاشیسم در آلمان هستند. مردم مدافع آزادی بیان و آزادی نقد اسلام و مذهب، مردم مدافع آزادی و برابری کامل بین شهروندان به یک پرچم احتیاج دارند.

الان نبرد علیه جنبش اسلامی خیابانی شده و باید در این نبرد حضور داشته باشیم.

ما به سهم خود در آلمان در این میدان نبرد بودیم و پرچم دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی و پرچم نه به اسلامیسیم و فاشیسم اسلامی و نه به راسیسم و فاشیسم در آلمان را در دست داشتیم و دریایی محبت از سوی مردم دیدیم. چه در تظاهرات هایی که روزانه و همواره در جریان بود و چه در مصاحبه ها و یا تلویزیون سراسری آلمان که این هفته چندین بار امکان حضور داشتیم. پس زنده باد جنبش مترقی و مدرن و انسانی در قرن بیست و یکم در دفاع از حقوق جهانشمول انسان! *

مینا احدی

۱۵ ژانویه ۲۰۱۵



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
 account holder: IKK

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
 Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
 Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
 Shomare hesab: 15 13 50 248
 Adres: EINDHOVEN
 IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
 277 G Street, Blaine, Wa 98230
 phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
 Account number : 99 - 41581083
 wire: ABA routing # 026009593
 swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس
 و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
 sort code: 60-24-23, account holder: WPI
 , Bank: NatWest branch: Wood Green
 81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
 NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
 از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
 کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
 مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
 از ایران: عبدالگلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

آمستردام و چارلی ابدو

شهره آرام



مشروط کردن و محدودیت آزادی. و من جواب میدهم که آزادی مشروط و محدود دیگر آزادی نیست. از ایران و اینکه سالهاست ما اسلام در قدرت رو تجربه کردیم و از سهیل عربی میگویم. همه رو با دقت یادداشت میکند. به صحبت های من و کسی که میگه سوسیالیست، بیشتر از نفر سوم سمپاتی داره. به میدان دام میرسیم. مملو از جمعیت است. اعلام میکنند ۱۸۰۰۰ نفر هستیم و این رقم تنها مربوط به آمستردام است. با دیدن مجری برنامه که زن جوانی است از سازمانهای مذهبی خارجی، فکر میکنم چرا این انتخاب؟ سخنران اول زن نویسنده ای است که با زنده باد طنز، زنده باد چارلی ابدو و یاد theo van gogh اینکاش لازم نبود امروز اینجا باشیم، شروع میکند. نخست وزیر و شهردار از اینکه آزادی عقیده هسته اصلی آزادی واقعی است، تنفر و خشونت اجازه ندارد پیروز شود و اجازه نمیدهیم ترس بر ما حکومت کند، حرف میزنند. برخلاف ده سال پیش دیگر زیاد از دمکراسیشان نمی گویند.

آنچه مسلم است و میتوان گفت مردم در این تظاهرات و سایر تظاهراتهای پاریس و سایر کشورها نشان دادند که علیه نیروهای اسلامی هستند، اما دولت هلند و دول اروپائی هنوز قصد مداخلات با جریانات اسلامی را دارند. این را سخنان رئیس جمهور فرانسه با بیان اینکه "این اسلام نیست" تأیید میکنند. فردایش در روزنامه ها و وب سایت های خبریشان اعلام کردند، مسلمانان ساکن هلند آکسیون بی نام، این اسلام من نیست، فراخوان داده اند. اما همین خود نشان می دهد که اسلامیون تحت فشار قرار گرفته اند. اما مهمتر از همه، این تجربه میگوید؛ مردم متمدن هلند و دنیا امروز اسلام سیاسی را خوب میشناسند و دیگر از اینها نمیترسند و این را به دولتهایشان هم تحمیل کرده اند. اگر امروز رئیس جمهور هلند میگوید "دستهایتان از آزادی ما کوتاه" و "آزادی عقیده هسته اصلی آزادی واقعی است" از سر دیدن سیل عظیمی از مردم متمدن علیه تروریسم اسلامی و در دفاع از نقد مذهب و آزادی بیان در خیابان هاست.

اینرا اعتراض در آمستردام بخوبی و آشکارا بنمایش گذاشت.*

اتوبوس را سوار میشوم. شهر شلوغ است. به تظاهراتی در آمستردام، علیه ترور ریچارد ابدو و همکارانش در فرانسه میروم. دلهره دارم. دلهره ای حاصل از شرکت در تجمع اعتراضی ده سال پیش در ارتباط با ترور کارگردان هلندی که در فیلمی اسلام را به سخره کشیده بود. آن سال و آن شب، ترس و وحشت در فضا موج میزد و احساس نا امنی به راحتی ملموس بود. به کنسولگری فرانسه میرسم. جمعیت زیادی آنجاست، اما فضا، با ده سال پیش تفاوت بزرگی دارد. به دو نفر که پلاکاردهائی با مضمون علیه فاشیسم و زنده باد سوسیالیسم، در دستشان است نزدیک میشوم. وارد گفتگو میشویم. یکی سوسیالیست و دیگری طرفدار نسبیت فرهنگی، نفر دوم میگوید پلاکاردی نبود و من هم این پلاکارد را برای بدست گرفتن انتخاب کردم. مرد جوانی به ما نزدیک میشوید، میگوید ژورنالیست روزنامه trouw است. باندرول قرمزی که در دست دارم، توجه اش را جلب کرده. میپرسد روی باندرول قرمزت چی نوشته، میگویم: آزادی، برابری. سئوالاتی میپرسد در مورد انکار هولوکاست توسط اسلامیهستها و

**ژورنال روزانه را بخوانید!****ژورنال همه روزه بجز جمعه ها****منتشر می شود**سایت ژورنال: journal-ruzaneh.comایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

اطلاعیه شماره ۸: "کمپین بهنام را آزاد کنید" هفته کارزار در حمایت از بهنام ابراهیم زاده دیروز شد، به این کمپین بپیوندید



لیست برنامه ها به مناسبت هفته بهنام ابراهیم زاده:

سوئد:

گوتنبرگ ، ۱۷ ژانویه،
(اطلاعات بعدا تکمیل میشود)

لندن:

ساعت ۲ تا ۴ در میدان
ترافالگار اسکوتر شنبه ۱۷
ژانویه

کانادا، تورنتو:

روز یکشنبه ۱۸ ژانویه ساعت ۳
تا ۴ و نیم عصر میدان مل
لستن

ما را از برنامه های خود
مطلع کنید تا فعالیت شما را به
این لیست اضافه کنیم.

این لیست در حال تکمیل است.

۱۲ تا ۱۸ ژانویه، برابر با
۲۲ تا ۲۸ دیماه هفته حمایت از
بهنام ابراهیم زاده است. بهنام
ابراهیم زاده از چهره های
سرشناس و محبوب کارگری است
که در زندان رجایی شهر در بند
است. او در وضعیت جسمانی
نگران کننده ای بسر میبرد و
نیاز به وسیعترین حمایت جهانی
دارد.

به هر شکلی که میتوانید به
این کارزار بپیوندید. شما در هر
کجا که هستید میتوانید نقش

مهمی در پیشبرد یک کارزار قوی
جهانی داشته باشید. از جمله اگر
در داخل ایران هستید میتوانید:
عکس بهنام ابراهیم زاده را بر
در و دیوار بزنید و زیرش بنویسد
"بهنام را آزاد کنید" عکس بگیرد
و عکس های آنرا وسیعا در
مدیای اجتماعی، از جمله در
صفحات فیس بوک و سایت های
خبری منتشر کنید. بدست ما
برسانید تا آنها را رسانه ای کنیم.
کلیپ تهیه کنید و با گرفتن
عکس بهنام در مقابل صورت
خود اعلام کنید که ما بهنام را
حمایت میکنیم. "بهنام را آزاد
کنید" کلیپ آنرا بر روی یوتیوپ
بگذارید و برای ما نیز ارسال
کنید.

طومارهای اعتراضی در
حمایت از خواستهای بهنام و برای
آزادی او امضا کنید. کمپین
"بهنام را آزاد کنید" پتی شنی در
حمایت از او بر روی سایت ها
گذاشته است. این پتیشن را در
لینک زیر میتوانید امضا کنید و
به دوستانتان نیز خبر دهید که
آنرا امضا کنند.
<http://chn.ge/1xr3BZD>

خانواده بهنام ابراهیم زاده را
تنها نگذارید و آنها را در حلقه
حمایت و پشتیبانی خود قرار
دهید.

در خارج کشور میتوانیم در
اشکال مختلف هفته بهنام
ابراهیم زاده را به یک هفته پر از
اعتراض در حمایت او و
خواستهایش تبدیل کنیم. از
جمله:

میتوانیم در کشورهای
مختلف تدارک پیکت اعتراضی
ببینم و عکس بهنام و پتی شن
حمایت از او را همراه داشته
باشیم و در مورد او و خواست
زندانیان سیاسی بیشترین اطلاع
رسانی را کنیم. برای تهیه پوستر
ویژه کمپین "بهنام را آزاد کنید"
به سایت های سه نهاد فراخوان
دهنده این کارزار، مبارزه برای
آزادی زندانیان سیاسی، کمپین
برای آزادی کارگران زندانی و
کودکان مقدمند مراجعه کنید.

میتوانید شبهای همبستگی
با بهنام ابراهیم زاده همبستگی
خود را با او اعلام کنید.

میتوانید با در دست داشتن
عکس بهنام و پیامی کوتاه دو
دقیقه ای با بهنام و هفته حمایت
از او اعلام حمایت کنید. و این
کلیپ ها را بر روی یوتیوپ و
صفحات فیس بوک بگذارید و
برای رسانه ای کردن آنها برای ما
بفرستید.

میتوانید کارت پستال
حمایت از بهنام برای ما ارسال

کنید که منتشر کنیم
میتوانید با سازماندهای
کارگری و نهادهای انساندوست
در کشورهای مختلف جهان
تماس برقرار کنید و خواستار
حمایت و پشتیبانی آنان از بهنام
و خواستهایش بشوید. امضای
پتی شن کمپین "بهنام را آزاد
کنید" را فراموش نکنید.
<http://chn.ge/1xr3BZD>

و میتوانید.....
از شما میخواهیم ما را از
برنامه های خود به مناسبت هفته
حمایت از بهنام و ابتکاراتی که
در جهت هر چه قویتر برگزار کردن
این هفته به نظرتان میرسد با
برگزار کنندگان این کمپین تماس
بگیرید و ما را با خبر کنید.

بهنام ۴ سال است در زندان
است و ۵ سال حکم داشته است و
اکنون با دادگاهی کردن مجدد
وی او به ۹ سال و ۴ ماه و نیم
دیگر زندان محکوم شده است.

بهنام طی نامه ای به این حکم
معارض است و اتهام اینکه با
مجاهدین در ارتباط بوده را
شدیدا تکذیب کرده است. خواست
ما آزادی فوری بهنام و لغو
تمامی این احکام است.

بهنام در وضعیت جسمانی
بدی بسر میبرد. بدنال شکنجه
های درون زندان و اعتصاب

غذایی طولانی وضعیت او
اضطرابی است. این درحالیست
که پسر جوان او نیما نیز با
بیماری سرطان دست و پنجه نرم
میکند. با کارزاری جهانی فشار
را از روی بهنام و خانواده اش
برداریم و اطمینان دهیم که ما
صدای آنها در سطح جهانی
باشیم. به کمپین "بهنام را آزاد
کنید" بپیوندید. این کمپین تا
آزادی بهنام ادامه دارد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان

سیاسی
www.iranpoliticalprisoners.com
shiva.mahbobi@gmail.com
0044 0 757235 6661

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
www.free-them-now.com
shahla_daneshfar@yahoo.com
0044 0 777989 8968

کودکان مقدمند
www.childrenfirstnow.com
Af-
sanehvahdat13@gmail.com
0046-702468454

حمایت کننده: نهاد مادران
علیه اعدام، کمیته حمایت از
شاهرخ زمانی، فدراسیون
پناهندگی در گوتنبرگ سوئد،
کمیته علیه اعدام در کانادا،
حزب کمونیست کارگری ایران

یورش نیروهای اطلاعاتی به منزل فعال کارگری جلیل محمدی مهرداد امین وزیری با قید وثیقه آزاد شد

اطلاعیه شماره ۲۱۰



- بنا به گزارش منتشر شده از سوی کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ساعت هشت و نیم صبح روز چهارشنبه ۱۷ دیماه چندین نفر از مامورین وزارت اطلاعات به منزل فعال کارگری جلیل محمدی در شهر سنندج یورش برده و اقدام به تفتیش منزل او نمودند. با توجه به اینکه جلیل محمدی مدتی در شهرستان مشغول به کار است، در زمان یورش، او در منزل نبود. مامورین اطلاعاتی در پاسخ به خانواده وی علت این اقدام خود را نیاز به گرفتن پاره‌ای توضیحات از جلیل محمدی، ذکر کردند.

- ساعت ۱۴ روز پنجشنبه ۱۸ دی مهرداد امین‌وزیری از فعالین کارگری در شهر سنندج پس از ده روز بازداشت با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. آزادی وی را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک می‌گوییم.

مهرداد امین‌وزیری ساعت ۸ صبح روز دوشنبه ۸ دی در محل کارش توسط ماموران لباس شخصی دستگیر شده بود. او در مدت بازداشت خود به نشانه اعتراض به دستگیری اش دست به اعتصاب غذا زده بود. که به دلیل وخامت حالش وی را به بهداری انتقال داده بودند. پیش از این مهرداد امین وزیری در روز شنبه ۲۲ آذرماه بصورت تلفنی به اطلاعات احضار شده

زیر فشار میگذارد تا جلوی سازمانیابی اعتراضات کارگری را بگیرد. اجازه ندهیم و آنها را در پناه حمایت وسیع خود قرار دهیم. احضار و بازداشت فعالین کارگری باید فوراً متوقف شود و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۱ دی ۱۳۹۳، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۵
Shahla. Daneshfar2@gmail.com
siyavesazeri@hotmail.com
http://free-them-now.com

بود که پس از دو ساعت بازجویی وی را آزاد کرده بودند. در این بازجویی‌ها از مهرداد امین وزیری خواسته شده بود که در هیچ تجمع "غیر قانونی" شرکت نکند. اما او از دادن چنین تعهدی امتناع کرده بود. مهرداد امین‌وزیری در سال ۹۰ نیز به مدت ۳۲ روز در بازداشت اداره اطلاعات بود که با قرار وثیقه ۱۵ میلیون تومانی آزاد شده بود. مهرداد در دادگاه سی‌ام مهرماه سال ۹۰، در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج، به پنج سال حبس که به مدت سال تعلیق است، محکوم شده بود.

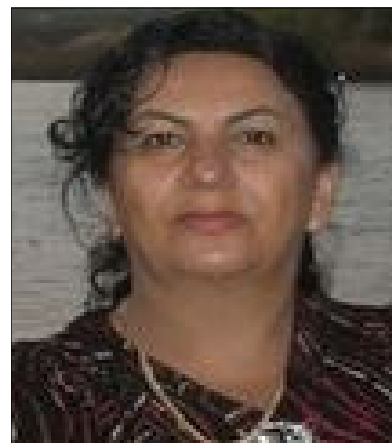
جمهوری اسلامی فعالین و رهبران کارگری را

صدور حکم بیدادگاه رژیم برای منیژه صادقی فعال اجتماعی و مدنی

خواهان آزادی منیژه صادقی و همه فعالین سیاسی، کارگری و اجتماعی می‌باشد.
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ دی ماه ۱۳۹۳
۱۳ ژانویه ۲۰۱۵

بنا به خبر دریافتی منیژه صادقی فعال مدنی اجتماعی شهر سنندج که روز پنجم آذر ماه در منزل مسکونی اش دستگیر شده بود، روز شنبه ۲۰ دی ماه از سوی دادگاه و بدون هیچ جرمی به سه ماه و یک روز زندان محکوم شد. منیژه صادقی بدلیل اذیت و آزارهایی که پیشتر در زندان به او روا داشته شده است با ناراحتی قلبی و فشار خون بالا مواجه بوده که با سر دردهای شدید و مزمن روبرو شده است.

منیژه صادقی از بیماری قلبی رنج می‌برد. او یک مادر است و باید در کنار فرزندانش باشد. زندان جای فعالین سیاسی و اجتماعی نیست. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکم ضد انسانی دادگاه رژیم را محکوم می‌کند و



WE STILL NEED **MARX**

TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

تظاهرات در مرکز شهر بن علیه تروریسم اسلامی و در دفاع از آزادی بیان

مینا احدی در پایان گفت، برای یک دنیای بدون تروریسم اسلامی و بدون راسیسم باید مبارزه کرد و به خیابان رفت. شورای مرکزی اکس مسلم از همگان دعوت میکنند که در اعتراضات گسترده خیابانی در آلمان فعالانه شرکت کنند. نهاد اکس مسلم-آلمان ۱۰ ژانویه ۲۰۱۵

به اروپا باز شده و میکوشد با ترور و ایجاد فضای وحشت، در اینجا نیز زندگی را بر همگان ناامن کند. باید متحدانه در مقابل این جنبش ایستاد و در عین حال اجازه نداد راسیست ها و ضد خارجیها با استفاده از این فضا، علیه مردمی که از دست اسلامیها فرار کرده و یا بقیه مهاجرین و پناهندگان فضا سازی کنند.

آزادی بیان را بسیار پر ارزش دانست و گفت. اینک یک جنبش جهانی مدرن و متمدن در مقابل تروریسم اسلامی صف کشیده است. مینا احدی گفت، ما سی سال است که علیه این جنبش مبارزه میکنیم. دولت آلمان و دولت اروپایی همواره با جنبش اسلامی مماشات کرده و با حکومتهای اسلامی ساخته اند، امروز متأسفانه پای این جنبش

سخنران داشت که یکی از آنها به زبان فرانسوی حرف زد و همبستگی مردم آلمان را با مردم فرانسه اعلام کرد. همچنین نمایندگان چند نهاد دانشجویی در این تظاهرات سخنرانی کردند. مینا احدی در تظاهرات شهر بن آلمان، همبستگی بین المللی مردم و همچنین همبستگی روزنامه نگاران و کاریکاتوریست ها در دفاع از شارلی ابدو و

روز شنبه ساعت ۱۲ در مرکز شهر بن در آلمان به دعوت چند نهاد از جمله برابری طلبان آنتی فاشیست، گروه فونیکس، سازمان پناهندگان به آلمان خوش آمدند - واحد بن و نهاد علیه هوموفوبی در شهر بن و .. یک میتینگ همبستگی با شارلی ابدو و قربانیان ترور در فرانسه برپا شد که در آن مینا احدی نیز سخنرانی کرد. این میتینگ پنج



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

**به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید**